



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



رسالت  
علیهما الصلوات  
والتسلیمات

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

موسسه علمی، تحقیقاتی و فرهنگی «سازمان اس‌اچ‌اچ»

# موسسه

شماره ۵۰

ماهنامه



شماره ۵۰

موسسه علمی، تحقیقاتی و فرهنگی «سازمان اس‌اچ‌اچ»



موسسه علمی، تحقیقاتی و فرهنگی «سازمان اس‌اچ‌اچ» **آغاز اعانت** حضرت ابن العسیر العسکری (ع)



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# ماهنامه موعود ۵۰

نویسنده:

ماهنامه موعود

ناشر چاپی:

ماهنامه موعود

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	ماهنامه موعود ۵۰
۶	مشخصات کتاب
۶	شماره ۵۰ - دی ۱۳۸۴
۶	وفا به پیمان؛ فلسفه غدیر، شرط ظهور
۱۰	احتجاج امام علی ع به آیه ولایت
۱۴	تو بودی و آفتاب بی‌پایان نجف
۱۶	آینده نزدیک-۲
۲۱	نظریه اختیاری بودن ظهور-۳
۲۵	پژوهشی درباره زیارت‌های جامعه
۲۸	امیرالمؤمنین ع دارنده سنت‌های انبیای پیشین ع
۳۱	شمارش معکوس برای تخریب مسجدالاقصی
۳۳	نومحافظه کاران برای غارت آمده اند
۳۴	اتحاد نظامی بنیادگرایان مسیحی و فرقه‌های یهودی در توطئه‌چینی برای تخریب مسجدالاقصی
۳۶	نثار فاطمه س در جشن غدیر
۳۶	پرسش شما، پاسخ موعود
۳۸	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## ماهنامه موعود ۵۰

## مشخصات کتاب

سرشناسه: ماهنامه موعود، ۱۳۸۴ عنوان و نام پدیدآور: شماره ۵۰ - دی ۱۳۸۴ / ماهنامه موعود ناشر چاپی: ماهنامه موعود مشخصات نشر دیجیتال: اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ۱۳۹۰. مشخصات ظاهری: نرم افزار تلفن همراه، رایانه و ماهنامه

## شماره ۵۰ - دی ۱۳۸۴

## وفا به پیمان؛ فلسفه غدیر، شرط ظهور

در زمانهای قدیم مرد دانشمندی بود که پسری داشت و آن پسر علاقه‌ای به علم پدرش نشان نمی‌داد و در مورد دانش پدرش چیزی از او نمی‌پرسید. آن مرد دانشمند همسایه‌ای داشت که به نزد او می‌آمد، پرسشهایش را با او مطرح می‌کرد و مطالبی از او می‌آموخت. تا این که زمان مرگ مرد دانشمند نزدیک شد. داستان آفرینش انسان و آغاز حیات او بر کره خاک با یک عهد و پیمان شکل می‌گیرد. عهد و پیمانی که بر پذیرش پروردگاری خداوند متعال و نفی پرستش شیطان بسته شد و همه انسانها بر وفای به آن همدستان شدند: ای فرزندان آدم، مگر با شما عهد نکرده بودم که شیطان را پرستید؛ زیرا وی دشمن آشکار شماست؟ و این که مرا پرستید؛ این است راه راست! و [یاد کن] هنگامی را که پروردگارت از پشت فرزندان آدم، ذریه آنها را برگرفت و ایشان را بر خودشان گواه ساخت که آیا پروردگار شما نیستم؟ گفتند: «چرا، گواهی دادیم» تا مبادا روز قیامت بگوئید ما از این [امر] غافل بودیم. ۲. این عهد و پیمان در طول تاریخ، بارها و بارها توسط پیامبران الهی و جانشینان آنها، به انسانها یادآوری شد تا آنان نسبت به عهدی که با خدای خود داشتند دچار فراموشی نشوند: و در حقیقت، در میان هر امتی فرستاده‌ای برانگیختیم [تا بگوئید]: خدا را پرستید و از طاغوت [= فریبگر] پرهیزید. ۳. و پیش از تو هیچ پیامبری نفرستادیم مگر این که به او وحی کردیم که: «خدایی جز من نیست، پس مرا پرستید». ۴. از سوی دیگر برای این که مردم در وفا به پیمانی که بر عهده داشتند دچار مشکل نشوند و در تشخیص راهی که به اطاعت و بندگی خدا و مخالفت با شیطان می‌انجامد گرفتار سردرگمی نگردند، به آنان گوشزد شد که اطاعت خدا در اطاعت رسول اوست و هر کس بیشتر در طریق اطاعت رسول گام بردارد در اطاعت خدا از دیگران پیشی گرفته است: هر کس از پیامبر فرمان برد، در حقیقت، خدا را فرمان برده؛ و هر کس رویگردان شود، ما تو را بر ایشان نگهبان نفرستاده‌ایم. ۵. ... و آنچه را فرستاده [او] به شما داد، آن را بگیری و از آنچه شما را بازداشت بازایستید و از خدا پروا بدارید که خدا سخت کیفر است. ۶. با پایان یافتن عصر رسالت، نه تنها از بار عهد و پیمانی که آدم خاکی با خدای خود داشت کاسته نشد، بلکه بسیار شدیدتر از دوران حیات پیامبر (ص) از او خواسته شد که به عهد و پیمان خود وفا کند؛ چرا که او در وفاداری به این پیمان مورد بازخواست قرار خواهد گرفت: ... و به پیمان [خود] وفا کنید؛ زیرا که از پیمان پرسش خواهد شد. ۷. و این عهد، چنان که امام موسی کاظم (ع) در تفسیر آیه یادشده می‌فرماید، چیزی نبود جز پیروی از امیر مؤمنان علی (ع): [مراد از] عهد [در این آیه] آن پیمانی است که پیامبر درباره دوستی ما و پیروی از امیر مؤمنان [ع] از مردم گرفت؛ این که با او مخالفت نورزند، از او پیشی نگیرند، با خاندانش نیکی کنند و آنها را آگاه کرد که درباره این پیمان بازخواست خواهند شد. ۸. یعنی این بار عهد آدمی با خدای خود در صورتی دیگر متجلی شد و اطاعت امیر مؤمنان و امامان پس از او همسنگ اطاعت خدا و رسول او گردید: آگاه باشید، هر کس خدا را درباره ولایت امیر مؤمنان و امامان پس از او پیروی کند، این همان پیمان گرفته شده از سوی خداوند است. ۹. و برای این که هیچ کس در شناسایی شخصی که پس از پیامبر (ص) می‌بایست با او عهد اطاعت بسته می‌شد به اشتباه نیفتد، در اجتماعی عظیم از

مسلمانان نو شدن عهد آدمی به آگاهی همگان رسید و اعلام شد هر کس پیمان ولایت نبی خاتم(ص) را پذیرفته از این پس باید به پیمان ولایت امیر مؤمنان علی(ع) گردن نهد: هر کس را من مولای اویم، پس این علی مولای اوست. ۱۰ ای مردم! هر کس خدا و رسولش و علی و امامانی را که از آنها یاد کردم، اطاعت کند، بی تردید به رستگاری بزرگی نائل آمده است. ۱۱ و از همین رو بود که این روز را روز «عهد معهود» (عهد شناخته شده) نامیدند. همانا امروز، روزی بس بزرگ است... امروز، روز کامل شدن دین و روز عهد و پیمان شناخته شده است. ۱۲ آری، انسانها مأمور شدند که پس از رحلت نبی خاتم(ص) با وصی او تجدید عهد کنند و دست در دست او بگذارند تا به فرموده حضرت زهرا(س)، آنها را آسان آسان و به راحتی و ملایمت به راه هدایت و رستگاری رهنمون شود: به خدا سوگند، اگر پای در میان می‌نهادند و علی را بر کاری که پیغمبر به عهده او نهاد می‌گذارند، آسان آسان ایشان را به راه راست می‌برد و حق هر یک را بدو می‌سپرد. چنان که کسی زیانی نبیند و هر کس میوه آنچه کشته است بچیند. تشنگان عدالت از چشمه معدلت او سیر و زبونان در پناه صولت او دلیر می‌گشتند. اگر چنین می‌کردند درهای رحمت از زمین و آسمان به روی آنان می‌گشود. اما نکردند و به زودی خدا به کیفر آنچه کردند آنان را عذاب خواهد فرمود. ۱۳ اما چنان که فاطمه زهرا(س) نیز فرمودند: این چنین نشد و بدعهدی و عهدشکنی از همان نخستین روزهای عروج رسول خدا(ص) آغاز گردید و پیمانی که جماعت مسلمین در روز غدیر بر اطاعت ولی خدا بسته بودند به راحتی شکسته شد و جز جمع اندکی، همه امت اسلامی از اطراف امام و حجت عصر پراکنده شدند: هنگامی که پیامبر (ص) رحلت فرمود همه مردم جز سه تن؛ سلمان، مقداد و ابوذر غفاری، به گذشته کفرآمیز خود برگشتند. ۱۴ از آن به بعد اگر چه در مقاطعی از دوران ۲۵۰ ساله امامت شیعه، شاهد روی آوردن مردم به ائمه معصومین(ع) و مرجعیت علمی آنها هستیم، اما هیچ‌گاه عهدی که مردم در برابر امامان خود داشتند به تمامی پاس داشته نشد و این سخن امامان معصوم(ع) که فرموده بودند: مردم تنها به سه چیز تکلیف شده‌اند: شناخت امامان، تسلیم شدن به ایشان در آنچه بر آنها وارد می‌شود و رجوع به آنها در آنچه که در آن اختلاف دارند. ۱۵ هیچگاه محقق نشد و سرانجام بدعهدیها و عهدشکنیهای امت اسلام منجر به مقتول و مسموم شدن یازده امام و غیبت آخرین امام شد و جامعه اسلامی از برکات حضور امام معصوم(ع) در میان خود محروم گشت. و این همان اتفاقی بود که پیش از این در کلام امام محمد باقر(ع) پیش‌بینی شده بود: هنگامی که خداوند تبارک و تعالی، از آفریدگانش خشمگین شود، ما [اهل بیت] را از مجاورت با آنها دور می‌سازد. ۱۶ آری، غیبت امام از جامعه و به درازا کشیدن آن نتیجه بدعهدی و پیمان‌شکنی مردم نسبت به حجت‌های الهی و جانشینان به حق رسول خدا(ص) است و تا زمانی که مردم چنان که باید و شاید به پیمانی که در برابر امامان معصوم(ع) برعهده دارند وفا نکنند و با همه وجود آماده پذیرش اوامر و نواهی آنها نگردند، ظهور محقق نخواهد شد؛ چنان که امام عصر(ع) فرمود: اگر شیعیان ما - که خداوند توفیق طاعتشان دهد - در راه ایفای پیمانی که بر دوش دارند همدل می‌شدند، میمنت ملاقات ما از ایشان به تأخیر نمی‌افتاد و سعادت دیدار ما زودتر نصیب آنان می‌گشت، دیداری بر مبنای شناخت راستین و صداقتی از آنها نسبت به ما. ۱۷ با توجه به همین اهمیت وفا به عهد و پیمان و تأثیر آن در ظهور امام عصر(ع) بوده است که از ما خواسته‌اند هر بامداد عهد و پیمان اطاعتی را که نسبت به امام خود بر دوش داریم، به یاد آوریم و آن را تجدید کنیم: بار خدایا! من در بامداد این روز و تمام دوران زندگانی‌ام، عهد، عقد و بیعتی را که نسبت به او (امام مهدی(ع)) بر گردن دارم، تجدید می‌کنم، که هرگز از آن برنگردم و بر آن پایدار بمانم. ۱۸ در پایان این مقال توجه شما را به روایتی بلند و پرمعنا از امام باقر(ع) جلب می‌کنیم. در این روایت امام باقر(ع) در پاسخ پرسش یکی از یاران خود که از زمان فرا رسیدن امر [ظهور] پرسیده، در قالب یک داستان یا حکایت تمثیلی با تقسیم زمانها به سه زمان گرگ، قوچ و ترازو بر این واقعیت تصریح کرده‌اند که مردم در یک مقطع زمانی که از آن به «زمان گرگ» تعبیر می‌کنند، یکسره از در پیمان‌شکنی با خاندان رسالت برآمدند و حتی در فکر وفا به پیمان خود نبودند، اما در مقطع زمانی دیگر که از آن با تعبیر «زمان قوچ» یاد می‌کنند، مردم اگر چه تصمیم دارند به پیمان خود وفا کنند، اما در عمل پیمان‌شکنی می‌کنند و از بازگرداندن

حقوق اهل بیت (ع) سرباز می‌زنند، تا سرانجام در مقطعی از زمان که «زمان ترازو» نامیده می‌شود، مردم واقعاً تصمیم می‌گیرند به پیمان خود عمل کنند و حقوق غضب شده خاندان رسالت را به آنها برگردانند. و این زمان، زمانی است که می‌توان در آن امید تحقق ظهور داشت. زراره نقل می‌کند که: حمران از امام باقر (ع) پرسید: قربانت کردم کاش به ما می‌فرمودید این امر (ظهور امام مهدی (ع)) چه زمانی خواهد بود تا به آن خبر شادمان شویم. آن حضرت فرمود: ای حمران تو دوستان و برادران و آشنایانی داری. ۱۹ در زمانهای قدیم مرد دانشمندی بود که پسری داشت و آن پسر علاقه‌ای به علم پدرش نشان نمی‌داد و در مورد دانش پدرش چیزی از او نمی‌پرسید. آن مرد دانشمند همسایه‌ای داشت که به نزد او می‌آمد، پرسشهایش را با او مطرح می‌کرد و مطالبی از او می‌آموخت. تا این که زمان مرگ مرد دانشمند نزدیک شد، پس او فرزندش را فرا خواند و گفت: «تو از آنچه در نزد من بود دوری می‌گزیدی علاقه‌ای به آن نشان نمی‌دادی و چیزی از من نمی‌پرسیدی، اما همسایه‌ای دارم که به نزد من می‌آمد و از من سؤالاتی می‌کرد و چیزهایی فرا می‌گرفت و به ذهن می‌سپرد. اگر به چیزی نیاز داشتی، نزد او برو» و همسایه‌اش را به او معرفی کرد. مرد دانشمند از دنیا رفت و پسر (همچنان) زنده بود تا این که پادشاه آن زمان خوابی دید و سراغ آن مرد دانشمند را گرفت. به او گفته شد: «آن مرد از دنیا رفته است». پادشاه گفت: «آیا فرزندی از او به جای مانده است؟» گفتند: «آری او یک پسر به جا گذاشته است». پادشاه گفت: «او را نزد من بیاورید» و کسانی را به دنبال پسر فرستادند تا او را نزد پادشاه بیاورند. پسر [با خود] گفت: «به خدا قسم، نمی‌دانم چرا پادشاه مرا احضار کرده است. من هیچ دانشی ندارم و اگر پادشاه چیزی از من سؤال کند، بی‌شک رسوا خواهم شد» در این حال سفارش پدرش را (در هنگام مرگ) به خاطر آورد. پس نزد همسایه‌ای که از پدرش علم می‌آموخت رفت و به او گفت: «پادشاه کسانی را به دنبال من فرستاده و نمی‌دانم چرا احضار کرده است. پدرم به من گفته بود اگر به چیزی نیاز داشتیم، به شما مراجعه کنیم». همسایه گفت: «اما من می‌دانم ۲۰ به خاطر چه چیزی تو را احضار کرده است. اگر به تو بگویم تو باید هر چیزی را که خدا از این طریق نصیب تو گرداند، با من تقسیم کنی». پسر گفت: «می‌پذیرم» همسایه از او خواست سوگند یاد کند و به او اطمینان دهد که به عهدش وفا می‌کند. پسر هم سوگند یاد کرد. آن مرد گفت: «پادشاه می‌خواهد از تو در مورد خوابی که دیده پرسش کند و بداند که این زمان چه زمانی است. پس بگو این «زمان گرگ» است. پسر نزد پادشاه رفت و پادشاه گفت: «آیا می‌دانی به چه دلیلی تو را احضار کرده‌ام؟» پسر گفت: مرا احضار کرده‌اید تا در مورد خوابی که دیده‌اید از من پرسید و بدانید که اکنون چه زمانی است». پادشاه گفت: «درست گفتی. پس به من بگو این زمان چه زمانی است». پسر گفت: «این زمان «زمان گرگ» است». پادشاه دستور داد پاداشی به آن پسر بدهند، آن پسر جایزه را گرفت و به سوی خانه‌اش رفت. اما از این که به دوستش (مرد همسایه) وفا کند، خودداری کرد و [با خود] گفت: «شاید پیش از این که این مال را به او بدهم یا خودم بخورم از دنیا رفتم و شاید پس از این به آن مرد نیاز نداشته باشم و دیگر از اینگونه پرسشهایی که از من پرسیده شد، از من سؤال نشود». پس مدت زیادی [در وفا کردن به آن مرد] درنگ کرد. مدتی بعد پادشاه خوابی دید و به دنبال پسر فرستاد. پسر از کرده خود پشیمان شد و [با خود] گفت: «به خدا سوگند، هیچ دانشی ندارم که با آن نزد پادشاه بروم و نمی‌دانم با دوستم (همسایه) چکار کنم چون به او نیرنگ زده و به او وفا نکرده‌ام» بعد گفت: «به هر حال به نزد او می‌روم، از او عذرخواهی می‌کنم و برای او سوگند یاد می‌کنم، شاید او [از خواب پادشاه] به من خبر دهد». پسر نزد مرد همسایه رفت و گفت: «کاری کرده‌ام که نمی‌باید می‌کردم و به آنچه که میان من و تو بوده وفا نکرده‌ام و آنچه داشتم از دستم رفته و به تو نیازمند شده‌ام. تو را به خدا قسم می‌دهم که مرا تنها نگذاری، من به تو اطمینان می‌دهم که هر چه به دست آوردم با تو تقسیم کنم. پادشاه به دنبال من فرستاده و نمی‌دانم از من چه می‌پرسد». آن مرد (همسایه) گفت: «پادشاه می‌خواهد از تو در مورد خوابی که دیده سؤال کند و بداند که این زمان چه زمانی است. پس تو به پادشاه بگو: این زمان، «زمان قوچ» است». آن پسر نزد پادشاه رفت، پادشاه وارد شد و گفت: «می‌دانی چرا به دنبال تو فرستاده‌ام؟» آن پسر گفت: «شما خوابی دیده‌اید و می‌خواهید بدانید که اکنون چه زمانی است». پادشاه خطاب به پسر گفت:



«درست گفתי. پس به من بگو این زمان، چه زمانی است؟» پسر گفت: «این زمان، زمان قوچ است». پس از آن پادشاه دستور داد پاداشی به پسر بدهند. پسر آن پاداش را گرفت و به سمت خانه‌اش رفت و فکر می‌کرد که آیا به دوستش وفا کند یا نه، یکبار تصمیم می‌گرفت وفا کند و یکبار تصمیم می‌گرفت به عهدش وفا نکند پس از آن گفت: «شاید پس از این دیگر تا ابد به آن همسایه نیازی نداشته باشم» و در نهایت تصمیم گرفت که بی‌وفایی کند و به عهدش وفا نکند. پس مدتی دیگر در وفا به عهدش درنگ کرد. مدتی بعد پادشاه خوابی دید و به دنبال پسر فرستاد، آن پسر به خاطر آنچه با دوستش کرده بود پشیمان شد و پس از دو بار بی‌وفایی گفت: «چه کنم که دانشی ندارم» سپس تصمیم گرفت که به نزد مرد همسایه برود. پسر نزد آن همسایه رفت و او را به خدای تبارک و تعالی سوگند داد و از او خواست که او را [در مورد خواسته پادشاه] آگاه سازد و به همسایه گفت این بار به او وفا می‌کند و به او اطمینان داد و گفت: «مرا به این حال وامگذار! بدون شک دیگر پیمان‌شکنی نمی‌کنم و به تو وفا می‌کنم» همسایه از او خواست تا به او اطمینان دهد، سپس گفت: «تو را خوانده تا از تو در مورد خوابی که دیده سؤال کند و بداند که این زمان چه زمانی است. وقتی که پادشاه از تو سؤال کرد، بگو این زمان، «زمان ترازو» است» آن پسر نزد پادشاه رفت و پادشاه وارد شد و گفت: «[می‌دانی] چرا تو را احضار کرده‌ام؟» پسر گفت: «شما خوابی دیده‌اید و می‌خواهید سؤال کنید که این زمان چه زمانی است» پادشاه گفت: «درست گفתי پس به من بگو اکنون چه زمانی است». پسر گفت: «این زمان، زمان ترازو است». پادشاه دستور داد هدیه‌ای به او بدهند، پسر هدیه را گرفت و آنرا نزد مرد همسایه برد و آنرا جلوی همسایه گذاشت و گفت: «آنچه که من به دست آورده‌ام برای تو آوردم پس تو آن را تقسیم کن». آن همسایه دانشمند گفت: «زمان اول زمان گرگ بود و تو از گرگها بودی و زمان دوم زمان قوچ بود که قوچ تصمیم می‌گیرد و انجام نمی‌دهد و تو هم مثل قوچ تصمیم می‌گرفتی اما وفا نمی‌کردی و این زمان (سوم) زمان ترازو بود و تو در آن زمان وفادار بودی. پس بگیر آنچه که برای تو است چون من نیازی به آن ندارم» و آن دانشمند (همسایه) هدیه را به پسر برگرداند. ۲۱ پی‌نوشتها: ۱. ألم أعهد إليك يا بني ادم أن لاتعبدوا الشيطان إنّه لكم عدوّ مبین و أن اعبدونى هذا صراط مستقیم. سوره یس (۳۶)، آیه ۶۱-۶۰. ۲. و إذ أخذ ربّك من بنی ادم من ظهورهم ذریتهم و أشهدهم علی أنفسهم ألت برّبکم قالوا بلی شهدنا أن تقولوا یوم القیامة إنا کنا عن هذا غافلین. سوره اعراف (۷)، آیه ۱۷۲. ۳. و لقد بعثنا فی کلّ أمة رسولاً أن اعبدوا الله واجتنبوا الطاغوت... سوره نمل (۱۶)، آیه ۳۶. ۴. و ما أرسلنا من قبلك من رسول إلاّ نوحی إلیه أنّه لا إله إلاّ أنا فاعبدون. سوره انبیا (۲۱)، آیه ۲۵. ۵. من یطع الرسول فقد أطاع الله و من تولّى فما أرسلناک علیهم حفیظاً. سوره نساء (۴)، آیه ۸۰. ۶. ... و ما آتاکم الرسول فخذوه و ما نهاکم عنه فانتهوا و اتقوا الله إنّ الله شدید العقاب. سوره حشر (۵۹)، آیه ۷. ۷. ... و أوفوا بالعهد إنّ العهد کان مسئولاً. سوره اسراء (۱۷)، آیه ۳. ۸. العهد ما أخذ النبی علی الناس فی مؤدّتنا و طاعة أميرالمؤمنین أن لا یخالفوه ولا یتقدّموه ولا یقطعوا رحمه و أعلهم أنّهم مسئولون عنه. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۴، ص ۱۸۷، ح ۱. سوره مریم (۱۹)، آیه ۸۷. ۹. ألا من دان الله بولایه امیرالمؤمنین والأئمّة من بعده فهو العهد عندالله. به نقل از امام صادق (ع) در تفسیر آیه شریفه «لا یملکون الشفاعة إلاّ من اتّخذ عند الرحمن عهداً»، [آنان] اختیار شفاعت را ندارند، جز آن کس که از جانب [خدای] رحمان پیمانی گرفته است. (بحارالانوار، ج ۲۴، ص ۳۳۳، ح ۵۸). ۱۰. من کنت مولا فلهذا علی مولا... ابو منصور احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۵۶-۶۶. ۱۱. معاشر الناس! من یطع الله و رسوله و علیاً و الأئمّة الذین ذکرهم فقد فاز فوزاً عظیماً. همان. ۱۲. إنّ هذا یوم عظیم الشان... یوم کمال الدین و یوم العهد المعهود. بحارالانوار، ج ۳۷، ص ۱۶۴، ح ۴۰. ۱۳. همان، ج ۴۳، ص ۱۵۸. همچنین ر.ک: سیدجعفر شهیدی، زندگانی فاطمه زهرا(ع)، ص ۱۵۱. ۱۴. إنّ النبی، صلّی الله علیه و آله، لما قبض ارتدّ الناس علی أعقابهم کفّاراً إلاّ ثلاثه: سلمان و المقداد و أبوذر الغفاری. بحارالانوار، ج ۲۸، ص ۲۵۹، ح ۴۲. ۱۵. إنّما کلف الناس ثلاثه: معرفه الأئمّة و التسلیم لهم فیما و رد علیهم و الردّ إلیهم فیما اختلفوا فیہ. حدیث از امام باقر(ع). محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۹۰، ح ۱۶. ۱. إذا غضب الله تبارک و تعالی علی خلقه، نخانا عن جوارهم. همان، ص ۳۴۳، ح ۳۱. ۱۷. لو أنّ شیاعنا، و

فَقَّهَمُ اللَّهُ لَطَاعَتَهُ، عَلَى اجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ، لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا وَ لَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمَشَاهِدَتِنَا عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَ صَدَقَتْهَا مِنْهُمْ بِنَا. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۷. ۱۸. اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَجِدُّدُ لَهٗ فِى صَبِيحَةٍ يَوْمِى هَذَا وَ مَاعَشْتُ مِنْ اَيَّامِ حَيَاتِىْ عَهْدًا وَ عَقْدًا وَ بَيْعَةً لَهٗ فِى عُنُقِى لَا- احوال عنها ولا أزول أبداً. همان، ج ۱۰۲، ص ۱۱۱. ۱۹. مرحوم علامه مجلسی در توضیح این سخن حضرت (ع) که «تو را دوستان و برادرانی است» می‌فرماید: «شاید هدف از آوردن این حکایت، این باشد که این زمان، زمانه وفای به عهد نیست و اگر زمان ظهور این امر را به تو بگویم، تو دوستان و آشنایانی داری و زمان ظهور را به آنها می‌گویی در نتیجه خبر میان مردم پراکنده می‌شود و باعث فساد می‌شود. و عهد و پیمان به پوشیده داشتن زمان ظهور هم فایده‌ای ندارد؛ اگر هنوز زمان ترازو نرسیده باشد، تو به عهد خود وفا نمی‌کنی. یا معنای این سخن این است که تو آشنایانی داری، پس به آنها بنگر آیا آنها با تو در چیزی هم رأی هستند یا اینکه اصلاً به عهد تو وفا می‌کنند؛ پس چگونه امام زمان (ع) در اینگونه زمان ظهور می‌کند! یا اینکه مقصود این است که تو می‌توانی آنرا استعلام کنی، پس برای کسب علم به حال آشنایان و برادران بنگر هر چه از آنها عزم و تصمیم قاطع بر فرمانبرداری و اطاعت و تسلیم کامل از امامشان دیدی، پس بدان آن زمان، زمان ظهور حضرت قائم - که خداوند ظهور و فرجش را نزدیک گرداند - است و قیام آن حضرت مشروط به این امر است و عموماً اهل هر زمانی بر یک حالت هستند همانگونه که از این داستان پیداست.» (بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۵۰۰). ۲۰. علامه مجلسی در توضیح عبارت «اما من می‌دانم» می‌نویسد: «شاید علم آن مرد از اطلاع دادن آن عالم باشد و آن عالم هم علمش را از انبیاء گرفته باشد یعنی آنها براساس وحی آسمانی به او خبر داده‌اند که پادشاه به زودی آن خوابها را خواهد دید و این تعبیر آن خوابهاست. یا اینکه او از آن دانشمند نوعی دانش فرا گرفته که شخص با آن می‌تواند امثال آن امور را استنباط نماید. این احتمال هم وجود دارد که آن مرد پیامبری باشد که این امور را از طریق وحی فهمیده است. (همان) ۲۱. الکافی، ج ۸، ص ۳۶۲، ح ۵۵۲؛ بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۴۹۷ - ۴۹۹.

### احتجاج امام علی ع به آیه ولایت

سید محمد مرتضوی مقدمه شیعه در التزام و پیروی از مکتب اهل بیت ع از استدلال به کتاب سنت و عقل بهره‌افری جسته است و از جمله آیاتی که شیعه بر امامت بلافضل امیرالمؤمنین ع به آن استدلال و ادعای اجماع کرده آیه زیر است **إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ** و **الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ** ۱ جز این نیست که ولی شما خداست و رسول او و مؤمنانی که نماز به پا می‌دارند و همچنان که در رکوعند انفاق می‌کنند. گذشته از اجماع شیعه بر نزول این آیه درباره امام علی ع، ادعای اجماع امت اسلامی نیز بر این مسئله شده که در جای خود آمده است استدلال شیعه به این آیه بر مقدماتی استوار است یکی از آن مقدمات که نقشی اساسی در استفاده خلافت بلافضل حضرت امیر (ع) از این آیه دارد نزول این آیه درباره آن حضرت است ولی مخالفان مکتب اهل بیت ع که از دلالت قوی این آیه بر حقانیت این مکتب به هراس افتاده‌اند برای تضعیف استدلال شیعه شبهاتی را متوجه این استدلال کرده‌اند؛ از جمله اینکه اگر این آیه درباره حضرت علی ع نازل شده بود و مقصود امامت آن حضرت بود، بر ایشان واجب بود که این مسئله را آشکارا اعلام و در منازعات سیاسی به آن احتجاج کنند که در این مقاله در صدد بررسی این مسئله از منابع فریقین می‌باشیم استدلال نکردن امام علی ع به آیه مخالفان مکتب اهل بیت گفته‌اند: **أَنَّهُ لَوْ سَلَّمَ ذَلِكَ كَانَ الْوَجِبُ عَلَى الْإِمَامِ أَنْ يَجْهَرَ بِدَعْوَى الْوَلَايَةِ بِذَلِكَ الْمَعْنَى حَتَّى يَبْرَأَ مِنْ مَوَاجِبِ أَمَانَةِ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ اسْتِمْرَارِ الْحُذْرِ نَحْوَ قَرِيبٍ مِنْ خَمْسَةِ وَ عَشْرِينَ سَنَةً لَا يَنَاسِبُ شَهَامَةُ ذَلِكَ الْأَسَدِ الْغَيُورِ وَلَا غَيْرِهِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ الْكِرَامِ** اگر این مطلب را بپذیریم [که این آیه در شأن علی ع نازل شده و ولایت در اینجا به معنای ریاست و سرپرستی است بر امام واجب بود که آشکارا دعوی ولایت - به این معنا - کند. تا ذمه او از ادای امانت واجب خدا و رسول او بری شود. اما اینکه او بیست و پنج سال از طرح این مطلب پرهیز کند، با شهامت آن شیر غیرتمند و دیگر مسلمانان صدر اسلام تناسب ندارد. این شبهه در شماری از منابع آمده است ۲ قبل از پاسخ این شبهه ضمن

پذیرش بخشی از سخنان این افراد که اگر چنین بود می‌بایست صحابه احتجاج می‌کردند، ما این مسئله را به چند دلیل می‌پذیریم که می‌بایست در برابر حکومت ابوبکر مقاومت می‌شد؛ زیرا: ۱. نبی اکرم ع با اندیشه دینی مسلمانان را طوری تربیت کرده بود که در برابر هر خلافتی مقاومت کنند و به اعتراض برخیزند. این روحیه می‌طلبد که در برابر حکومت ابوبکر مقاومت کنند. ۲. فضائل بعضی از صحابه رسول خدا (ع همانند امام علی ع، سلمان فارسی عمار یاسر و خزیمه بن ثابت براساس آنچه در منابع اهل سنت آمده نسبت به ابوبکر به مراتب بیشتر است به طوری که اصلاً قابل مقایسه نیستند. در پاسخ این سؤال باید گفت این اعتراضها در منابع شیعه فراوان یافت می‌شود، ولی در منابع اهل سنت از آنها ذکری نیست یا بسیار کم‌رنگ است و این نیز بدان سبب است که حذف و تحریف حقایق شامل آنها شده است و متأسفانه محدثان و مورخان و مفسران اهل سنت در کتب خود آنچه خواسته‌اند آورده‌اند، نه آنچه واقعیت داشته است به عنوان نمونه ذهبی مورخ مشهور اهل سنت در شرح حال محمد بن جریر طبری می‌گوید: جمع طرق حدیث غدیر خم فی أربعة أجزاء رأیت شطره فبهرنی سعة روایاته و جزمت بوقوع ذلك او روایات حدیث غدیر خم را در چهار جلد گردآوری کرده است که من بخشی از آن را دیدم و از گستردگی روایات آن مبهوت شدم و یقین پیدا کردم که چنین حادثه‌ای اتفاق افتاده است ۳ در حالی که همین طبری در کتاب خود که یکی از منابع مهم تاریخی به شمار می‌آید، حتی یک کلمه درباره این حادثه مهم ننوشته است! بنابر این ذکر نکردن حادثه‌ای از حوادث تاریخ اسلام در منابع اهل سنت نمی‌تواند به این معنی باشد که این حادثه اتفاق نیفتاده است بگذریم اما پاسخ شبهه - استدلال نکردن امام علی ع به آیه - را باید در منابع هر دو گروه مورد بررسی قرار داد: الف منابع اهل سنت گرچه با توجه به مسائل یادشده از این نوع اعتراضها در منابع اهل سنت کمتر سخنی به میان آمده ولی حقایق همیشه و برای همه کس پنهان نمی‌ماند و خداوند برای اتمام حجت عده‌ای را و او می‌دارد که حقایق را بیان کنند. اکنون به چند نمونه از استدلال امام علی ع به این آیه در منابع اهل سنت اشاره می‌کنیم ۱. حافظ سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی مؤلف ینابیع الموده در باب ۳۸ کتاب خود نقل می‌کند: در دوران خلافت عثمان روزی جمعی از مهاجران و انصار در مسجد نشسته بودند و امیرالمؤمنین ع در میان آنان بود. هر کس درباره خود سخن می‌گفت و آن حضرت ساکت بود. وقتی بیان فضائل آنان به پایان رسید، رو به امام گفتند: یا اباالحسن تکلم فقال یا معشر قریش والانصار أسئلكم ممن أعطاکم الله هذا الفضل أبأنفسکم أو بغيرکم قالوا: أعطانا الله و منّ علینا بمحمد صلّی الله علیه وآله ... ای ابوالحسن سخن بگو! آن حضرت فرمود: ای گروه قریش و انصار، از شما می‌پرسم این فضائل را خداوند به سبب خودتان به شما داده است یا به واسطه دیگری گفتند: خداوند به واسطه محمد (ص بر ما منت نهاد و این فضائل را به ما عطا کرد. سپس حضرت بخشی از آیاتی را که درباره خودش نازل شده بود بیان می‌کند و از آنان اقرار می‌گیرد که این آیات درباره او نازل شده است آنگاه فرمود: أنشدکم بالله أتعلمون حیث نزلت «إنما ولّیکم الله و رسوله والذین آمنوا الذین یقیمون الصلوة و یؤتون الزکاة و هم راکعون و...» أمر الله عزوجل نبیّه أن یعلمهم ولأه أمرهم و أن یفسّر لهم من الولاية كما فسّر لهم من صلاتهم و زکاتهم و حجّهم فصبّنی للناس بغدیر خم ۴ شما را به خدا سوگند می‌دهم آیا می‌دانید هنگامی که آیه «إنما ولّیکم الله و...» و آیات دیگر نازل شد خداوند پیامبرش را مأمور کرد که متولیان امور امت را به آنان معرفی کند و ولایت برای آنان شرح داده است به دنبال این مسائل رسول خدا (ص در غدیر خم مرا به امامت مردم نصب کرد. ۲. محدث حافظ ابراهیم بن محمد جوینی مؤلف کتاب فرائد السمطین فی فضائل المرتضی و البتول و السبّین در کتاب همین جریان را با تفصیل بیشتری نقل کرده است او می‌نویسد: در دوران خلافت عثمان روزی در مسجد میان انصار و مهاجران درباره فضائل هر یک بحث در گرفت در این مناظره که حدود دوپست تن از سران دو گروه حضور داشتند و از صبح تا ظهر به طول انجامید، قریش تمام فضائلی را که از رسول خدا (ص درباره آنان بیان شده بود نقل کردند. از سران مهاجران در جلسه افرادی مثل عبدالرحمان بن عوف طلحه زبیر، مقداد، ابوذر، هاشم بن عتبّه عبدالله بن عباس و عبدالله بن جعفر حضور داشتند و پس از آن انصار نیز خدمات خود به اسلام و پیامبر و نقش خود را در گسترش اسلام و حمایت از مسلمانان بیان کردند که از جمله سران این گروه نیز افرادی مانند:

ابن کعب زید بن ثابت ابو ایوب انصاری ابو هیثم بن تیهان قیس بن سعد بن عبادہ جابر بن عبد اللہ، انس بن مالک و زید بن ارقم حضور داشتند. پس از پایان گفت‌وگو آنان از امام تقاضا کردند ایشان سخن بگویند. امام نیز پس از ذکر آیاتی از قرآن از جمله آیه «انما ولیکم الله و...» می‌فرماید: قال الناس یا رسول الله خاصه فی بعض المؤمنین أم عامه لجمعهم فأمر الله عزوجل نبیه صلی الله علیه وآله أن یعلمهم ولأه أمرهم و أن یفسر لهم من الولاية ما فسر لهم من صلاتهم و زکاتهم و حجهم فنصبتی للناس بغدیر خم ۵ مردم پرسیدند: «ای رسول خدا(ص) آیا این آیات درباره بعضی از مؤمنان نازل شده است یا این که شامل همه می‌شود» آنگاه خداوند رسولش را مأمور کرد تا متولیان امور امت را به آنان بشناساند و ولایت را برای آنان شرح دهد، همان‌طور که نماز و زکات و حج آنان را شرح داده است پس رسول خدا(ص) مرا در غدیر خم به عنوان امام مردم منصوب کرد. حدیث مناشده ۶ یوم الشوری هنگامی که عمر در آستانه مرگ قرار گرفت شش تن را برای تعیین رهبر برگزید و به آنان سه روز مهلت داد تا تکلیف رهبری امت را مشخص کنند. ۷ از جمله این افراد امام علی ع بود. به‌طور طبیعی هر یک از این افراد مدعی رهبری امت بودند و در صدد اثبات صلاحیت خود برای این کار برآمدند. از این رو امیرالمؤمنین ع که شایسته‌ترین فرد برای این کار بود به بیان امتیازات خود در آن جمع پرداخت که به حدیث «مناشده یوم الشوری مشهور است این حدیث را هم اهل سنت روایت کرده‌اند و هم شیعه این حدیث در منابع شیعه بیش از ده صفحه می‌باشد که امام در آن به آیه «انما» چنین استدلال می‌کند: نشدتکم بالله هل فیکم أحد أدی الزکاة و هو راکع غیری قالوا: لا. ۸ شما را به خدا سوگند می‌دهم آیا در میان شما جز من کسی هست که در حال رکوع زکات پرداخت کرده باشد؟ گفتند: نه این حدیث در منابع اهل سنت بسیار متفاوت نقل شده است که به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم ۱. ابن حماد عقیلی وی از این حدیث حدود دو صفحه را نقل و بقیه را حذف کرده است و سپس از قول ابن مغیره نقل می‌کند: و هذا حدیث لا أصل له عن علی ع. ۹ این حدیث از علی ع پایه‌ای ندارد. محقق این کتاب نیز در پاورقی می‌گوید: حاشا امیرالمؤمنین من قول هذا. ۱۰ هرگز امیرالمؤمنین ع چنین سخنی را نمی‌گوید! همان‌طور که ملاحظه می‌کنید ابن مغیره ادعای جعلی بودن حدیث را دارد، بدون این که سندی ارائه کند و دکتر عبدالمعطی امین نیز صدور این سخن را از امام بعید می‌داند. اکنون سؤال این است که چرا با این حدیث چنین برخورد کرده‌اند و بدون ارائه هیچ سندی آن را کنار گذاشته یا حذف کرده‌اند و یا در صدد تضعیف راوی آن برآمده‌اند. به نظر ما علت این کار در مقدمه کلام امیرالمؤمنین ع و ذهنیت اهل سنت نسبت به صحابه به خصوص خلفا می‌باشد؛ زیرا امیرالمؤمنین ع در مقدمه این مناشده چنین می‌فرماید: بایع الناس ابابکر و أنا والله أولى بالامر و أحقّ به منه فسمعت و أطعت مخافه أن یرجع الناس کفاراً یضرب بعضهم رقاب بعض یا لسیف ثم بایع ابوبکر لعمر و أنا والله أحقّ بالامر منه فسمعت و أطعت مخافه أن یرجع الناس کفاراً، ثم أنتم تریدون أن تبایعوا لعثمان ... ۱۱ مردم با ابوبکر بیعت کردند، در حالی که به خدا سوگند من از او سزاوارتر به خلافت بودم ولی از ترس اینکه مبادا مردم به دوران کفر باز گردند و با شمشیر گردن یکدیگر را بزنند، شنیدم و اطاعت کردم بعد از آن ابوبکر برای عمر از مردم بیعت گرفت در حالی که به خدا سوگند من از او سزاوارتر به خلافت بودم ولی از ترس اینکه مبادا مردم کافر شوند، شنیدم و اطاعت کردم و اکنون نیز تصمیم دارید با عثمان بیعت کنید... . بدین سان حضرت عملکرد صحابه را در تعیین ابوبکر و عملکرد ابوبکر را در تعیین عمر و عملکرد اصحاب شوری را در تعیین عثمان مورد نقد قرار داده و آن را تخطئه کرده است که این مسئله با ذهنیت اهل سنت نسبت به خلفا و صحابه سازگاری ندارد. از این رو در صدد تضعیف راوی یا تقطیع و یا حذف کلی روایت یاد شده برآمده‌اند. ۲. ابن حجر عسقلانی یک صفحه از این حدیث را از قول ابن حماد عقیلی نقل می‌کند و سپس می‌گوید: فذکر الحدیث فهذا غیر صحیح و حاشا امیرالمؤمنین من قول هذا انتهى ۱۲ این حدیث را ابن حماد نقل کرده و این حدیث صحیح نیست و هرگز امیرالمؤمنین چنین سخنی نمی‌گوید. ۳. ذهبی نیز همین مقدار مختصر را از ابن حماد عقیلی نقل می‌کند و همچنان درباره حدیث قضاوت می‌کند که این صحیح نیست ۱۳، بدون این که برای سخن خود دلیلی ارائه کند. ۴. ابن مغزلی مقدمه سخن امام را نیاورده ولی بقیه حدیث را حدود چهار صفحه نقل کرده است بدون

آنکه آن را رد کند. ۶۱۴. خطیب خوارزمی نیز حدود سه صفحه از این مناشده را از طرق مختلف نقل می‌کند بدون آنکه آن را رد کند. ۶۱۵. گنجی شافعی نیز حدود یک صفحه از این مناشده را آورده است البته او تنها به بخشی از حدیث که درباره جریان ردالشمس است استدلال کرده است ۷۱۶. جوینی مؤلف فرائد السمطين نیز حدود سه صفحه از این مناشده را آورده است بدون آن که آن را رد کند. ۸۱۷. ابن عساکر مؤلف کتاب تاریخ مدینه دمشق نیز حدود سه صفحه از این مناشده را آورده است بدون آن که آن را رد کند. ۱۸ چنان که ملاحظه می‌کنید، در میان اهل سنت نیز افرادی هستند که احتجاج امام علی ع را به نزول این آیه درباره خودش نقل کرده باشند. گذشته از آن که چندین نفر مناشده یوم الشوری را نقل کرده‌اند که با آنچه در منابع شیعه آمده یکسان است ولی وقتی مناشده در مقام اثبات برتری امام بر خلفا پیش می‌آید آن را نقل نکرده‌اند و عده‌ای هم با این اتهام که این روایت جعلی است بدون ارائه دلیلی از نقل مناشده خودداری کرده‌اند و برخی نیز با این توهم که بعید است امام علی ع نسبت به خلیفه اول و دوم چنین سخنی بگوید تمام مناشده را نقل نکرده‌اند و گروهی نیز با اتهام ضعف راوی از نقل آن پرهیز کرده‌اند؛ در حالی که این گونه نیست به هر حال به اندازه‌ای که این حقیقت اثبات شود که امام علی ع به نزول آیه احتجاج کرده است در منابع اهل سنت هم شواهدی یافت می‌شود. ب منابع شیعه استدلال امام به آیه «إِنَّمَا وَلِيكُمُ اللَّهُ...» در منابع شیعه بسیار زیاد آمده است که به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم ۱. مناشده یوم الشوری همان‌طور که پیشتر بیان کردیم در جلسه شوری که هر یک از اعضا که ادعای صلاحیت رهبری دارند طبیعی است که در صدد معرفی و بیان شایستگیهای خود برآیند. این مسئله طبیعی وقتی با وظیفه دینی همراه شود انگیزه آن دو چندان می‌شود. از این رو امام علی ع که بیان شایستگیهای فردی خود را برای بازگرداندن حکومت اسلامی به مسیر خود وظیفه الهی می‌دانست در صدد بیان شایستگیها و امتیازات خانوادگی فردی سیاسی مبارزاتی علمی و... خود برآمد که در منابع هر دو گروه یعنی شیعه و اهل سنت یافت می‌شود. در این حدیث حضرت در دو جا به نزول آیه «إِنَّمَا» درباره خود استدلال کرده است الف در موردی حضرت خطاب به اهل شورا می‌فرماید: فهل فيكم أحد سمّاه الله عزّوجلّ في عشر آيات من القرآن مؤمناً غيري قالوا: أَللّهُمَّ لا. ۱۹ آیا در میان شما به جز من کسی هست که خداوند در ده آیه از آیات قرآن او را مؤمن نامیده باشد؟ گفتند: به خدا سوگند نه ب در موردی در این مناشده حضرت خطاب به اهل شورا می‌فرماید: فهل فيكم احد آتى الزكاة و هو راعع و نزلت فيه إِنَّمَا وَلِيكُمُ اللَّهُ و رسوله والذين آمنوا الذين يقيمون الصلوة و يؤتون الزكوة و هم راععون غيري قالوا: أَللّهُمَّ لا. ۲۰ آیا در میان شما به جز من کسی هست که در حال رکوع زکات داده باشد و خداوند آیه «إِنَّمَا وَلِيكُمُ اللَّهُ...» را درباره او نازل کرده باشد؟ گفتند: به خدا سوگند نه ۲. مناشده با ابوبکر با توجه به نکاتی که پیشتر درباره تربیت امت توسط رسول خدا(ص بیان شد، طبیعی بود که در برابر به قدرت رسیدن ابوبکر مقاومت و اعتراضهایی صورت گیرد؛ از جمله این اعتراضها را خود حضرت امیر(ع انجام داده است بعد از به قدرت رسیدن ابوبکر، وی تلاش می‌کرد با امام علی ع با چهره‌ای بشاش و خندان روبه‌رو شود، ولی حضرت امیر(ع برعکس همیشه با چهره‌ای گرفته و عبوس با او برخورد می‌کرد که این وضع برای ابوبکر قابل تحمل نبود، تا اینکه روزی به خانه حضرت آمد و از مسائل پیش آمده عذرخواهی کرد و در صدد توجیه رفتار خود برآمد. حضرت با نقد رفتار ابوبکر از وی اعتراف گرفت که شایستگی این کار را ندارد، بلکه خود شایسته سرپرستی امت است بدین سان حضرت با بیان شایستگیهای خود به نزول آیه «إِنَّمَا» درباره خود استدلال می‌کند و می‌فرماید: أنشدك بالله إلى الولاية من الله مع ولاية رسول الله صلى الله عليه وآله في آية زكاة الخاتم أم لك قال بل لك ۲۱ تو را به خدا سوگند می‌دهم آیا در آیه پرداخت انگشتی به عنوان زکات ولایت من همراه با ولایت رسول خدا(ص از طرف خداوند مطرح شده است یا ولایت تو؟ ابوبکر گفت بلکه ولایت تو. ۳. مفاخره قریش از جمله مواردی که حضرت امیر(ع به نزول آیه «إِنَّمَا» درباره خود احتجاج کرده جریان مفاخره مهاجران و انصار است پیشتر این جریان احتجاج آن حضرت به این آیه را از منابع اهل سنت نقل کردیم این جریان در منابع شیعه نیز ذکر شده است که آن حضرت فرمود: فأنشدكم بالله أتعلمون حيث نزلت «إِنَّمَا وَلِيكُمُ اللَّهُ و رسوله والذين آمنوا الذين يقيمون الصلوة و يؤتون الزكوة و هم راععون قال



الناس یا رسول الله أخاصه في بعض المؤمنين أم عامة لجميعهم فأمر الله عزوجل نبيه أن يعلمهم ولاه أمرهم و أن يفسر لهم من الولاية ما فسّر لهم من صلاتهم و زكاتهم و صومهم و حجّهم فنصّبني للناس علماً بغدير خم ۲۲ شما را به خدا سوگند آيا می دانيد هنگامی که آیه «أما وليکم الله...» نازل شد، مردم از رسول خدا(ص) پرسیدند: آيا اين آیه به عده‌ای از مؤمنان اختصاص دارد، یا شامل همه مؤمنان می‌شود؟ پس خداوند پیامبر را مأمور کرد که متولیان امور مؤمنان را به آنان بشناساند و همان‌طور که نماز، زکات و حج آنان را برای ایشان بیان کرده است ولایت را نیز شرح دهد. در پی این مسائل پیامبر مرا در غدیر خم به عنوان راهنما برای مردم منصوب کرد. ۴. مذاکره با مهاجران و انصار در جریان تشکیل شورا از یک سو حدود پانزده سال از ارتحال رسول خدا(ص) گذشته بود و نسل جدید مسلمانان عصر نزول قرآن را درک نکرده بودند. از سوی دیگر، تبلیغات یک سویه حکومت در طول این دوران و جلوگیری از تدوین و نشر حدیث رسول خدا(ص) و عوامل دیگر سبب شده بودند نسل جدید از حوادث صدر اسلام و مدافعان واقعی اسلام و رسول خدا(ص) بی‌اطلاع باشند. در چنین شرایطی حضرت در صدد معرفی خود و دفاع از حق خویش برآمد و در جمع مهاجرین و انصار که بیشتر آنان را نسل جدید تشکیل می‌دادند حاضر شد و در یک سخنرانی فرمود: لقد علم المست؟ پی‌نوشتها: \* برگرفته از: فصلنامه مشکوه شماره ۸۰، پاییز ۱۳۸۲. ۱. سوره مائده ۵، آیه ۵۵. ۲. از جمله بنگرید به نظام‌الدین حسن بن محمد بن الحسین النیشابوری القمی غرائب القرآن و رغائب الفرقان ج ۴، ص ۲۸۴؛ امیر عبدالعزیز، التفسیر الشامل ج ۲، ص ۹۷۷؛ عبدالکریم محمدالمدرس، مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن ج ۳، ص ۱۶۷؛ الفخر الرازی التفسیر الکبیر، ج ۱۲، ص ۲۸. ۳. ذهبی سیر أعلام النبلاء، ج ۱۴، ص ۲۷۷. ۴. سلیمان بن ابراهیم القندوزی ینایع الموده باب ۸۳، ص ۱۱۴. ۵. ابراهیم بن محمد بن المؤید الجوبینی فرائد السمطين ج ۱، باب ۵۸، ص ۳۱۲. ۶. «مناشده به معنای پرسیدن از دیگری به همراه قسم دادن به اوست ۷. ابوجعفر محمد بن جریر الطبری تاریخ الطبری ج ۳، ص ۲۹؛ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ ج ۳، ص ۶۷. ۸. احمد بن علی بن ابی طالب الطبرسی الاحتجاج ج ۱، ص ۱۹۶. ۹. ابوجعفر محمد بن عمرو بن موسی العقیلی الضعفاء الکبیر، ج ۱، ص ۲۱۱. ۱۰. همان ص ۲۱۲. ۱۱. شهاب‌الدین ابی الفضل احمد العسقلانی لسان المیزان ج ۲، ص ۱۵۷؛ شمس‌الدین محمد بن احمد الذهبی میزان الاعتدال ج ۲، ص ۱۷۸. ۱۲. همان ج ۲، ص ۱۵۷. ۱۳. میزان الاعتدال ج ۲، ص ۱۷۸. ۱۴. علی بن محمد الخطیب الواسطی مناقب علی بن ابی طالب ص ۱۱۲. ۱۵. الحافظ ابوالمؤید الموفق بن احمد أخطب خوارزم المناقب ص ۳۱۳. ۱۶. محمد بن یوسف بن محمد القرشی الکنجی کفایة الطالب ص ۳۸۶. ۱۷. فرائد السمطين ج ۱، ص ۳۱۹. ۱۸. ترجمه الامام علی بن ابی طالب من تاریخ مدینه دمشق ج ۳، ص ۱۱۳. ۱۹. محمد بن الحسن الطوسی ألامالی ج ۲، ص ۱۵۹؛ حسن بن ابی الحسن الدیلمی إرشاد القلوب ج ۲، ص ۸۶؛ بحار الانوار، ج ۳۱، الحسن الطوسی ص ۳۳۳؛ الاحتجاج ج ۱، ص ۱۹۷. ۲۰. محمد بن الحسن الطوسی ألامالی ج ۲، ص ۱۶۲؛ الاحتجاج ج ۱، ص ۱۹۷؛ جمال‌الدین یوسف بن حاتم الشافی الدرر النظیم ص ۳۳۲؛ السید هاشم البحرانی غایة المرام ج ۲، ص ۲۰؛ إرشاد القلوب ج ۲، ص ۸۹؛ بحار الانوار، ج ۳۱، ص ۳۳۲؛ میرزا حبیب‌الله الهاشمی الخوئی منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه ج ۲، ص ۳۶۳، ج ۳، ص ۸۹. ۲۱. ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق، الخصال باب الاربعین و مافوق ج ۲، ص ۳۲۷؛ بحار الانوار، ج ۲۹، ص ۷؛ الاحتجاج ج ۱، ص ۱۶۱. ۲۲. الاحتجاج ج ۱، ص ۲۱۳؛ بحار الانوار، ج ۱، ص ۴۱۰. ۲۳. الخصال ابواب السبعین و مافوقه ص ۱۷۰۱؛ بحار الانوار، ج ۳۱، ص ۴۴۵. ۲۴. سوره سباء (۳۴)، آیه ۴۶. ۲۵. الاحتجاج ج ۱، ص ۳۷۹. ۲۶. همان ج ۱، ص ۲۳۲.

### تو بودی و آفتاب بی‌پایان نجف

مجید ملامحمدی اشاره شیخ عبدالحسین امینی در سال ۱۳۲۰ق در تبریز، در دامنه کوه سهند به دنیا آمد؛ در خاکی که آزاد مردان بسیاری داشت در جوانی انقلاب مبارزانی همچون شیخ محمد خیابانی باقرخان و ستارخان را از نزدیک دید. وقتی طلبه شد، مدتی در تبریز درس خواند و به خاطر روح تشنه‌اش به نجف هجرت کرد. در حوزه علمیه نجف شاگرد ممتازی برای علمای آن دیار شد

و به زودی خود استادی سرشناس به شمار آمد. علامه شیخ عبدالحسین امینی از علمای محقق شیعه است که آثار با ارزشی از او به جا مانده است مهم‌ترین کتابش الغدیر نام دارد که درباره اثبات ولایت علی ع، در ده جلد، نوشته شده است این کتاب گران بها کامل‌ترین و پربرترین کتاب در مورد ولایت علی ع و غدیر خم است علامه امینی را مصلح بزرگی می‌دانند که با نقد دروغها و فتنه‌های مخالفان اهل بیت ع مسلمانان را به هم پیوند داد و تفرقه را از آنها دور کرد. سرانجام این مرد اندیشمند، پس از دو سال بیماری روز جمعه ۱۲ تیرماه ۱۳۴۹ شمسی در ۶۸ سالگی وفات یافت و در کتابخانه‌اش در نجف به خاک سپرده شد. آنچه در پی خواهد آمد حکایتی است از زندگی او که در دفاع از ولایت سر از پا نمی‌شناخت چه دلی چه جرأتی یادت می‌آید؛ آن روز پاهایت نلرزید، دستهایت رعشه نگرفت دل دل نکردی و دغدغه‌ات برای مردن نبود؟ فقط یک چیز توی دریای نگاهت لب پرزد؛ یک چیز! اگر آن کتاب نباشد چی آن وقت تحقیق‌هایم به جایی نمی‌رسد... مثل نسیم به تن چند کوچه باریک و پر رفت و آمد، جاری شدی چه تند می‌رفتی در راه کسی انگار با التماس در گوشات نجوا کرد: «کجا مؤمن! او تو را واجب القتل می‌داند. حکمش را هم صادر کرده عوض این که خودت را از او و دوستانش دور کنی راه افتاده‌ای و با پاهای خودت .. چه کار می‌کنی علامه نکند از جانت سیر شده‌ای!». دلت به جوش آمد و زیر لب گفتی «جانم چه ارزشی دارد؟ من از جانم و همه چیزم به خاطر مولایم گذشته‌ام من که به او کاری ندارم فقط به خاطر... به خاطر آن کتاب است». سرعت پاهایت بیشتر شد. تشت زرین آفتاب قل خورد و خودش را آورد بالای بامهای کاه گلی شهر. چه گرمایی می‌ریخت اما تو... تو، نه گرمت بود و نه به داغی آفتاب فکر می‌کردی فقط در خیال آن کتاب همان کتاب نایاب خواندنی بودی امان از دست دشمنان همان آدمهای بی‌سواد، آدمهای بی‌فکر، بی‌دل و بی‌انگیزه همانهایی که خار توی چشم‌هایت بودند. هر جا که قرص نورانی چهره‌ات را می‌دیدند، مثل خفاش بال بال می‌زدند و از تو فراری می‌شدند. اما تو، فقط لبخند می‌زدی لبخندی که مزه رطبه‌های تازه را می‌داد؛ شیرین و عسلی مزه‌ای که تا ساعتها زیر زبان می‌ماند. همانها با دیدنت چه خشمی به صورتشان می‌دوید. چشم‌هایشان می‌شد دو تکه آتش مثل اسفند روی آتش می‌شدند. به دلشان برایت بد راه می‌دادند. به سرشان فکرهای شومی تار می‌تید. اما تو بودی و یک خدای بزرگ تو بودی و آفتاب بی‌پایان نجف تو بودی و چهارده روایت سبزی که همه نوشته‌هایت به خاطر آنها بود. به همینها فکر می‌کردی به همینها دل خوش بودی که دلت آباد نبود و خیالت آرام از یکی دو نفر درباره نشانی مرد، خوب پرس‌وجو کردی آنها با تعجب به سر و وضع تو خیره شدند. بعد راه خانه او را نشانت دادند. شاید فکر کردند یک روحانی شیعه با او چه کار دارد؟! دیگر راهی نمانده بود. باز با آرامش خواسته‌ات را توی ذهنت مرور کردی «آمده‌ام دنبال فلان کتاب همه کتابخانه‌ها را گشته‌ام به خانه خیلی از محققان سر زده‌ام شنیده‌ام از آن کتاب یک نسخه بیشتر نیست و آن هم پیش شماس مدت کمی امانت می‌خواهم مطلبی است که خواندنش برایم خیلی ضروری است». پیش خود گفتی «حتماً ابروهایش را توی هم می‌کند و با اخم می‌گوید: تو... تو همان من هم می‌گویم بله .. من امینی هستم همان که حکم قتلش را داده‌اید. من به خاطر یکی از طلبهای مهم آن کتاب آمده‌ام من میهمان شما هستم و لابد... لابد او هم .. نمی‌دانم». نشانی درست بود. جلو خانه‌اش رسیدی جلو در چوبی قهوه‌ای رنگی که دو تا کوبه آهنی داشت با دو پله کوتاه و سنگی در کناره‌هایش یاد خدا و مولا مثل نسیمی بود که در باغ سینه‌ات وزیدن گرفت و آن را پر از شکوفه و شاپرک کرد. - من از شهادت در راه خدا هراسی ندارم افتخار هم می‌کنم اما با پای خودم برای این نیامده‌ام که قربانی جهل این شیخ دشمن علی ع بشوم می‌خواهم تحقیق‌هایم را با آن مطلب مهم کتاب نیابی که در کتابخانه اوست کامل کنم پناه بر خدا! کوبه بزرگتر را گرفتی و آرام چند ضربه در زدی در باز شد. آفتاب کوچه به تن سایه‌دار دالان خانه گرمی داد. آفتاب تو به نگاه تاریک مرد صاحبخانه تابید. - سلام علیکم - علیکم السلام بفرمایید. چه کار دارید؟ من شما را به جا نمی‌آورم تو را با کتاب‌هایت با آوازه و با اسم و رسمت می‌شناخت نه با هیبت نگاه قامت بلند بالا و ابروهای زیبایت کسی در گوش‌هایت نخواند که نگو. نگفت که برگرد. نگفت که چرا با پای خودت به خانه دشمن آمده‌ای شاید او که به خاطر نوشته‌هایت نوشته‌هایی که به خاطر امیرالمؤمنین ع

بود، دست به کاری بزند. به عمامه‌ات به عبا و قبایت خوب چشم دوخت فهمید شیعه هستی خودش را به بی‌اعتنایی زد. - من همانم که حکم قتلش را صادر کرده‌اید. من امینی هستم دنبال مطلب مهمی می‌گردم که فقط در کتابخانه شخصی شما پیدا می‌شود! مثل کوه آتشفشان تکان خورد و گر گرفت دندانهایش را به هم سایید و چانه استخوانی‌اش را گرفت آرام نگاهش کردی نی نی چشمهایش شده بود دو گوی مذاب هنوز چیزی نشده خون به صورتش دویده بود. معلوم بود خشمگین است چند بار زبانش را چرخاند. خواست حرفی بزند، اما فکری مانعش شد. آن قدر آن کتاب برای مهم بود که نه به فکر دشمنی‌اش بودی نه به فکر جانت و نه به فکر نگاههایش با صدایی گرفته صدایی که انگار از ته یک چاه خشکیده بیرون می‌زد. به زحمت گفت «حیف حیف که میهمان هستی و گر نه همین جا...». دیگر چیزی نگفت لنگه در را تا آخر باز کرد. در به نرمی روی پاشنه‌اش بی صدا کشیده شد. - بیا تو آقای امینی با تعارف خشکش توی خانه رفتی بعد سر از کتابخانه‌اش در آوردی کتابخانه‌ای بزرگ با انبوهی از کتابهای قد و نیم قد کهنه و خطی میان کتابها چشم دواندی نه فهرستی نه راهنمایی و نه کمکی کتابها در جای جای آن اتاق بزرگ از پایین تا سقف به ردیف روی هم چیده شده بود. دیدن تک تک آن کتابها و پیدا کردن آن کتاب ساعتها وقت می‌گرفت نگاه تمسخرآمیز او به تو بود. به خودت گفתי لابد فکر می‌کند امینی خودش را توی اقیانوس کتابخانه‌ام انداخته حتی اگر شناگر ماهری هم باشد، راه نجاتی برایش نیست - من از حکم خدا که صادر کرده‌ام برنگشته‌ام اگر تا ساعتی دیگر کتاب پیدا نشد، به وظیفه‌ام عمل می‌کنم به خاطر دروغها و حرفهای بی‌اساس و به خاطر تهمت‌های هنوز هم از تو خشمگینم چه وظیفه‌ای بیچاره فکر می‌کرد: حکمش حکم خداست حکمی که علیه تو و به خاطر دوستی بی‌دریغت با علی ع و خاندانش بود. دلت نلرزید. قلبت خودش را به قفسه سینه‌ات نزد. شقیقه‌های آرام بود. با نیشخند نگاهت کرد. اسم کتاب را به او گفתי بعد چشم‌هایش را بست و توی دلت خواندی «بسم‌الله الرحمن الرحیم یا امیرالمؤمنین ع، به تو توسل می‌کنم ..». پرده پلک‌هایش بالا رفت شب‌نم چشم‌هایش درخشید. جلو یکی از قفسه‌ها رفتی بی‌اختیار دست بردی و یکی از کتابها را بیرون کشیدی او چشم‌هایش را ریز کرد و سرک کشید. با تبسم کتاب را ورق زدی خودش بود. همان گمشده تو. از سر صبر دوباره آن را ورق زدی به همان صفحه‌ای رسیدی که می‌خواستی کتاب را نشان دادی و با شوق گفتی «پیدایش کردم همان کتاب است خدا را شکر!». او به تلاطم افتاد. گیج و منگ شد. این پا و آن پا کرد. پاهایش لرزید. ناباورانه توی کتابخانه‌اش قدم زد و با شگفتی به کتاب توی دست چشم انداخت با شرم گفت «پس پس زودتر همین جا آن را بخوان من .. من باید به کارهایم برسم». گوشه‌ای رفت و صورتش را لای کتاب بزرگی گم کرد. از تعجب زبانش بند آمده بود. توی دلت ریسه رفتی و باز دلت پر از عطر شکر شد. \* برگرفته از: ماهنامه شمیم یاس سال چهارم شماره ۲۰، آبان ۱۳۸۳.

## آینده نزدیک-۲

قسمت دوم فاطمه شفیع سرروستانی اشاره بسیاری از ما همواره به این موضوع می‌اندیشیم که آینده ما و سیاره ما چه خواهد بود؛ آیا ما در آستانه جهانی جدید همراه با صلح و آسایش و وفور نعمت قرار داریم یا اینکه متزلزل و لنگ‌لنگان بر کناره جنگ و هرج و مرج و بلا- ایستاده‌ایم و یا هر دو؟ در این مقاله تلاش شده که با بررسی حوادث و رویدادهایی که یا اکنون در حال وقوع‌اند یا - براساس پیشگوییها - در آینده واقع خواهند شد، پاسخی برای این پرسشها ارائه شود. در این نوشتار، ابتدا حوادث و رویدادهای مهمی که در حال حاضر در جهان جریان دارند بررسی و در ادامه با بهره‌گیری از پیشگویی‌هایی که در اخبار انبیا و اولیای الهی آمده به تحلیل این حوادث و رویدادها پرداخته شده است پیشگویی‌هایی که با صدها و هزاران سال قدمت وضعیت جهان امروز ما را به صورت دقیق مجسم کرده و حوادثی را که امروز در جهان در حال وقوع است یا در آینده به وقوع خواهند پیوست به تصویر کشیده‌اند. آگاهی از این اخبار، چشم‌انداز جدیدی از تغییرات ریشه‌ای و بنیادین جهان و تحولات عظیم آینده را در اختیار خواننده قرار می‌دهد. شاید با بیان این اخبار بیش از پیش امکان تحلیل و تشریح همه آنچه که بشر در این عصر در آن به سر می‌برد فراهم



شود. ان شاء الله. در قسمت اول این مقاله برخی از این پیشگوییها بررسی شد و اینک قسمت دوم آن را پی می‌گیریم ۴. زلزله‌های ویرانگر چنان که آمار جهانی نشان می‌دهد، در بین سالهای ۱۰۰۰ تا ۱۸۰۰ میلادی یعنی طی هشتصد سال تنها بیست‌ویک زلزله با قدرت بزرگ روی داده است در حالی که بین سالهای ۱۸۰۰ تا ۱۹۰۰، یعنی طی یکصد سال ۱۸ زلزله بزرگ و ۵۰ سال بعد بین ۱۹۰۰ تا ۱۹۵۰، سی زلزله بزرگ روی داده است - یعنی تقریباً در طول ۵۰ سال تعداد زلزله‌ها برابر با شمار آنها در طول ۸۵۰ سال قبل بوده ۱ بین سالهای ۱۹۵۰ تا ۱۹۹۱، ۹۳ زلزله بزرگ در جهان به‌وقوع پیوست تقریباً سه برابر و نیم قرن گذشته این زلزله‌ها موجب مرگ ۳/۱ میلیون نفر انسان در سراسر کره خاکی شد. افزایش شدید تعداد زمین‌لرزه‌ها بسیاری از دانشمندان را متوجه این موضوع ساخت که زمین به دوره‌ای تازه از حیات خود وارد می‌شود. «راجر بیلهام در نشست اتحادیه علم زمین‌شناسی و ژئوفیزیک درباره سیر این وقایع اعلام کرد: واقعیت آشکار این است که در دهه‌های آتی شاهد فجایعی خواهیم بود که تا کنون مانند آنها را ندیده‌ایم تلفات بیش از یک میلیون پیش‌آمد غیر ممکن نخواهد بود. ۵۰ درصد جمعیت یک شهر با زمین‌لرزه‌ای ساده از دست می‌روند. بیلهام گفت با وجود اینکه در دهه‌های اخیر زمین‌لرزه‌ها در مرکز شهرهای بزرگ جهان روی نداده‌اند، اما نمی‌توان از ادامه این روند مطمئن بود. ۲ بسیاری از انبیا و اولیا از زمانهای دور درباره وقوع زلزله‌های شدید خبر داده‌اند از جمله «اشعیای نبی در رؤیای خود، تکانهای عظیمی را در آخرالزمان مشاهده کرد: اساس و بنیان زمین در حال لرزش است زمین به شدت در حال جنبش است زمین تا پایان مانند آدمی مست تلوتلو خواهد خورد و مانند کلبه لرزان خواهد بود... در روز خونریزی بزرگ زمانی که برجها واژگون می‌شوند. ۳ رسول اکرم ص نیز با اشاره به آخرالزمان فرمودند: زلزله‌های بسیاری زمین را در خود خواهد گرفت ۴ آن حضرت در جای دیگر، در این باره می‌فرماید: شما را به مهدی ع بشارت می‌دهم هنگامی که اختلافات شدید در میان مردم پدید آید و زلزله‌های سختی واقع شود او قیام می‌کند. ۵ امام صادق ع نیز با بشارت ظهور مهدی ع در این باره فرمودند: مهدی را به شما بشارت می‌دهم که پس از پدید آمدن اختلافات در میان امت و زلزله‌های بسیار ظهور خواهد کرد. ۶ هم‌چنین در جای دیگر فرموده‌اند: از نشانه‌های قیام آن حضرت این است که در سالی پر از زلزله و سرما اتفاق می‌افتد. ۷ باید پرسید آیا به راستی عصر ما در مرکز همه وقایعی قرار گرفته که قرن‌ها پیش از این روشن‌بینان با دل‌تنگی از آن یاد کرده بودند؟ آیا ذکر همین نشانه‌ها برای درک اهمیت و حساسیت زمانی که در آن قرار گرفته‌ایم کافی نیست قرن‌ها پیش از این روشن‌بینان اهل باطن و بصیرت چشم ما را بر وقایع و نشانه‌های دیگری نیز گشوده‌اند. ۵. گسترش خشونت همه ما مطلعیم که امروزه عناوین روزنامه‌ها و کتابها مملو از داستانهای غم‌انگیز خشونت جاری میان انسانها است در آمریکا آمار خشونت حیرت‌آور است براساس آمار FBI، به طور میانگین در هر ۲۲ دقیقه یک نفر به قتل می‌رسد، در هر چهار دقیقه یک نفر مورد خشونت جنسی قرار می‌گیرد و در هر ۲۶ ثانیه یک سرقت صورت می‌پذیرد. ۸ «رویترز» در گزارشهای خود سطح خشونت را بالاتر از این نیز اعلام می‌کند: «انجمن جرایم در آمریکا» در اولین گزارش خود درباره گسترش خشونت اعلام کرد: سطح خشونت و جرایم در ارتفاعات تاریخ باقی خواهد ماند. آمریکا بمب در حال انفجاری از جرایم خشونت‌آمیز است که زمان اندکی تا انفجار آن باقی است روزنامه واشنگتن پست در همین باره می‌نویسد: قتل و خودکشی [در آمریکا] با سرعتی شگفت به پیش می‌رود. بیش از ۱۴۵ مورد در روز. این سرعت در حال بالا رفتن است تنها در سی سال گذشته آمار کل این موارد از رقم ۲۰۰/۱/۰۰۰ مورد نیز تجاوز کرد. یعنی بیشتر از تمام انسانهایی که در طول جنگهای ایالات متحده کشته شده‌اند. بسیاری از این قربانیان مرد و زن نیستند بلکه کودکانند. ۹ «جک لوین، استاد جامعه‌شناس دانشگاه نورت ایسترن بوستون هشدار می‌دهد: «افزایش اخیر شمار قتلهایی که توسط نوجوانان ۱۴ تا ۱۵ ساله روی داده‌اند، نمودار بدترین چیزهاست آنها در حال حاضر اولین محصولات برنامه افزایش جمعیت بعد از جنگ جهانی دوم هستند و هنوز به گروه سنی ۱۸ تا ۲۴ سال که در حال حاضر بیشترین جرایم را مرتکب می‌شوند نرسیده‌اند. ۱۰ جالب توجه است که در روایات و اخبار آخرالزمان نیز از گسترش خشونت در میان انسانها پیش از ظهور مهدی ع و بازگشت مجدد عیسی ع خبر داده شده است در کتاب

مقدس آمده است همه آنچه در روزگار نوح ع رایج بود در بازگشت دوباره پسر انسان نیز رایج خواهد بود. ۱۱ عموم منابع دینی دوران نبوت حضرت نوح را دورانی مملو از فساد و خشونت معرفی می‌کنند چنان‌که در سفر پیدایش آمده است زمین فاسد بود و از خشونت پر. ۱۲ رسول اکرم ص نیز در توصیف گسترش فساد و خشونت در سالهای قبل از ظهور حضرت مهدی ع سخنان متعددی را بیان فرموده‌اند که بازخوانی آنها ما را به حیرت می‌آورد: - هنگامی که حریمها مورد تجاوز واقع شود، گناهان عملی گردد، اشرار بر نیکان مسلط شوند، دروغ شایع گردد و مردم به جامه‌های خود مباحثات کنند. ۱۳ جالب توجه آنکه حضرت نبی اکرم ص به گونه‌های مختلف فساد و تباهی و مصادیق آنها نیز اشاره دارند: - هنگامی که بعد از من فحشا و منکر رواج پیدا کند، مرگهای ناگهانی فراوان شود و کم‌فروشی رایج گردد، خداوند آنها را با قحطی و گرسنگی گرفتار سازد.. هنگامی که زمامداران ستمگری پیشه کنند، آنها خود بر ظلم و تجاوز همکاری می‌کنند. هنگامی که پیمانها را بشکنند، خداوند دشمن را بر آنها چیره کند. ۱۴ در بیان دیگری مصادیق این تباهی را در روابط خانوادگی متذکر می‌شوند: - هلاکت انسان به دست پدر و مادرش تحقق می‌یابد، اگر پدر و مادر نداشته باشد، به دست همسر و فرزندان و اگر همسر و فرزندی نداشته باشد به دست خویشان و همسایگانش ۱۵ - هنگامی که تکبر و خودپرستی در اعماق دلها نفوذ کرد، آن‌سان که سمومات در بدنها نفوذ می‌کنند، گناهان علنی شد و محرمات الهی سبک شمرده شد. ۱۶ حضرت پرده از درون و دل مردم این عصر نیز برداشته و اعلام می‌کنند: - هنگامی که مردم بر روی دلهای درنده خوی خود جامه‌میش بپوشند، دلهای آنها از مردار گندیده‌تر و از حنظل تلخ‌تر است ۱۷ - و آن هنگامی که هر سال بیش از سالهای پیش بدعت و شر احداث گردد. ۱۸ اما دلیل افزایش خشونت و جنایت در آخرالزمان چیست متخصصین رفتارشناس در پی جویی به این نتیجه رسیده‌اند که یکی از دلایل اصلی این امر، افزایش نقش رسانه‌ها در زندگی انسانها است خصوصاً این که امروزه تصاویر با روشنی و وضوح وارد محل زندگی مردم می‌شوند. در گذشته تنها راه مشاهده جرم و جنایت حضور در صحنه واقعه بود. اما در حال حاضر... بررسیها نشان می‌دهد؛ اکنون تنها بچه‌های آمریکایی با میانگین سنی ۱۵ سال شاهد کشتار خشونت‌بار بیش از ۲۵ هزار انسان به اضافه ۲۰۰ هزار عمل وحشیانه دیگر از طریق تلویزیون هستند. حتی در زمان نوح ع هم افراد در معرض این حجم از خشونت نبودند. «آرنولد کاهن از انجمن روانشناسان آمریکا، در این باره می‌گوید: بحث درباره تأثیرات خشونت نمایش داده شده از طریق تلویزیون مانند بحث درباره تأثیرات سیگار بر ایجاد سرطان است مجله نیوزویک به همراه صندوق دفاع از کودکان برای فهمیدن این که «نوجوانان چگونه تغییرات سریع جهان خود را حس می‌کنند؟» از ۷۵۸ بچه آمریکایی در سنین ۱۰ تا ۱۷ سال نمونه‌برداری کردند. نیوزویک یافته‌های آنان را این گونه بیان می‌کند: آنچه پدیدار می‌شود، تصویر نسلی است که در ترس و دلهره زندگی می‌کند... بسیاری نگرانیهایی دارند که والدینشان تصور آن را هم نمی‌کنند: دلهره از تفنگ مواد مخدر، طلاق فقر. مصاحبه‌ها تأکید می‌کنند که چگونه خشونت و ترس عمیقاً در زندگی این نسل نفوذ کرده نه فقط در شهرهای بزرگ اینچنین است بلکه در شهرهای کوچک و حومه‌ها نیز این وضعیت نمودار می‌شود. ۱۹ ۶. مرگ عاطفه و مهر و محبت اگر خشونت قتل و جنایت یک رویه از سکه حیات انسان عصر حاضر و دوران ماقبل از ظهور باشد «مرگ عاطفه مهر و محبت رویه دیگر است جمله زیبایی در کتاب مقدس انجیل آمده که می‌تواند معرف این معادله باشد: چون شرارت و فوور خواهد داشت عشق بسیاری سرد خواهد شد. ۲۰ این توصیف از طرف حضرت عیسی ع بیانگر وضعیت بی‌حس و عاطفه قلبهای مردم در روزهای قبل از بازگشتش است نقل قول دیگری مرتبط با این موضوع نیز وجود دارد: و همچنین بدان که در روزهای آخر، روزگار خطرناکی خواهد آمد، زیرا مردم دوستدار خود خواهند بود. آزمون، خودستا، مغرور، کفرگو، نافرمان در مقابل پدر و مادر، ناشکر، سنگدل بدون عاطفه طبیعی.. دوستدار لذت و خوشی نه دوستدار خداوند. ۲۱ متأسفانه امروزه به هر سو می‌نگریم نظاره‌گر افزایش خودپسندی و بی‌محبتی افراد هستیم مطلب زیر از BPA، هیأت نظارت بر مطبوعات انگلیس پرده از وضعیت لرزان اخلاقی غرب برمی‌دارد. وضعی که بسیاری از کشورهای جهان بدان مبتلا هستند: براساس مطالعاتی که اخیراً صورت گرفته انگلیس دچار زوال و

انحطاط اخلاقی و معنوی شده و مردم اکثراً خودپسند و ندرتاً دارای روحیه اجتماعی می‌باشند. براساس یک نظرسنجی اجتماعی در انگلستان ۷۷ درصد از افراد نمونه اظهار کرده‌اند که کشورشان نسبت به ۱۰ سال گذشته کمتر قانونمدار است در حالی که ۶۵ درصد اعلام کردند رعایت اصول اخلاقی در کشورشان ضعیف‌تر شده ۷۰ درصد فکر می‌کنند مردم نسبت به ۱۰ سال گذشته تمایل کمتری به ارتباط با دیگران دارند و ۷۲ درصد نیز مردم کشورشان را مغرورتر از گذشته می‌دانند. ۲۲ یکی دیگر از مظاهر مرگ عاطفه و مهر و محبت در عصر ما افزایش آمار سقط جنین است براساس بررسیهای انجام شده توسط سازمان ملل در کل جهان «اندازه خانواده در حال کوچک شدن است چون زنان در بیشتر کشورها خواهان فرزند کمتری هستند. ۲۳ یکی از دلایل کاهش اندازه خانواده در سالهای اخیر افزایش افراطی سقط جنین است با وجود این که علم آشکار ساخته که زندگی انسان از داخل رحم آغاز می‌شود، و عموم آثار فرهنگی اقوام مختلف در شرق و غرب بر اهمیت توجه به سلامت جنین در رحم مادر تأکید دارند متأسفانه سالانه چراغ زندگی بیش از ۳۰ میلیارد کودک متولد نشده در جهان خاموش می‌شود. عشق مادر به فرزند همیشه به عنوان خالص‌ترین و طبیعی‌ترین عشق در نوع خود مورد توجه قرار گرفته است آمار نشان می‌دهد در آمریکا سالیانه ۶/۱ میلیون مورد سقط جنین صورت می‌گیرد. به این معنا که روزانه بیش از ۳۰۰/۴ کودک متولد نشده در این کشور کشته می‌شوند. تخمین زده می‌شود که بیش از ۴۶ درصد زنان آمریکایی تا قبل از سن ۴۵ سالگی یک مورد سقط جنین داشته‌اند. ۲۴ چنانچه نسلهای گذشته این آمار را درک می‌کردند بهت‌زده می‌شدند، اما نسل امروز از کنار این آمار وحشتناک می‌گذرد. گویا قلبهای سرد و بی‌محبت آنها امکان فهم این فاجعه را از آنها گرفته است بیانات حضرت نبی اکرم ص دربارۀ نشانه‌های معنوی وضعیت مردم در آخرالزمان تصویرگر وضع مورد بحث است - هنگامی که مردم برای کارهای ناشایست تعاون و همکاری کنند، و در احکام مذهبی از یکدیگر دوری جویند، برای دروغ همدیگر را دوست بدارند و برای راستگویی از یکدیگر قهر کنند... اگر اینها واقع شود، اولاد عاق والدین می‌شوند، باران کمتر و در غیر موقع می‌بارد، لثیمان هر لحظه افزایش و کریمان هر لحظه کاهش می‌یابند. ۲۶ در روایت دیگری که بیانگر همین وضع اخلاقی است می‌فرمایند: - راستی و درستی کمیاب می‌شود، دروغ همه جا را فرا می‌گیرد، دوستی و صمیمیت به سر زبانها اختصاص می‌یابد و در اعماق دل همه با یکدیگر خصومت می‌ورزند، کارهای نامشروع مایۀ مباحثات شده عفت و خویشنداری موجب اعجاب و شگفتی می‌شود. اسلام وارونه می‌گردد مانند پوستینی که وارونه پوشیده شود. ۲۶ - انسان به پدر و مادرش جفا کرده و با دوستانش از راه وفا و صفا وارد می‌شود. ۲۷ - فرزند به پدر و مادرش تهمت می‌زند، به پدر و مادرش توهین می‌کند و از مرگ آنان مسرور می‌شود. ۲۸ - هنگامی که امت من با تبختر گام بسپارند و فرزندان فارس و روم به خدمت آنها در آیند. ۲۹ - گفتارشان از عسل شیرین‌تر، دل‌هایشان از حنظل تلخ‌تر است ۳۰ ائمه معصومین ع نیز در ارائه تصویر از وضعیت فرهنگی مردم در سالهای قبل از ظهور به مواردی مشابه اشاره کرده‌اند. چنان‌که حضرت امام صادق ع در این باره می‌فرمایند: مردم آن زمان ظاهری زیبا و آراسته و باطنی پست و پوسیده دارند. هر کس آنها را ببیند دچار شگفت می‌شود ولی چون با آنها معاشرت کند مورد ستم قرار می‌گیرد. ۳۱. رواج همجنس‌بازی رواج همجنس‌بازی - که در حال گذار از جوامع اروپایی و غربی به سایر نقاط جهان است - از علائم آخرالزمان بوده و نه تنها طریق انجام آن در بسیاری کشورها هموار شده بلکه فعالانه نیز در بسیاری مکانها تقویت می‌شود. در حال حاضر در این جوامع شمار بسیار زیادی از فیلمها، محل‌های تفریح و میهمانها آن را ترویج می‌کنند. در سال ۱۹۹۲م، «انجمن اطلاعات جنسی و «انجمن آموزش و پرورش ایالات متحده، جزوه راهنمای آموزشی برای آموزش در مدارس دولتی این کشور تهیه کرد. راهبردهای این نوشته - که از طرف با اعتبارترین گروه آموزشی کشور توزیع می‌شود - این آموزش را می‌دهد که هیچ شکلی از گرایش جنسی یا نوع بنیاد خانوادگی از نظر اخلاقی بر انواع دیگر برتری و امتیاز ندارد. این رساله با القای چنین تفکری به بچه‌های آمریکایی این اطمینان را می‌دهد که همجنس‌بازی امضای رسمی انجمن پزشکی آمریکا را دریافت کرده است خبرهای مختصر زیر نمونه‌های کوچکی هستند که وضعیت موجود در کشورهای غربی و به وضوح بازگشت

اخلاق مصیبت‌بار قوم لوط را در قرن جدید هشدار می‌دهند: - سخنگوی BBC اعلام کرد: شرکت پخش انگلیس به کارگران همجنس‌بازی که در مراسم رسمی شرکت نمایند یک هفته تعطیلات ماه عسل به علاوه ۷۵ پوند (۱۱۰ دلار) به عنوان هدیه ازدواج اختصاص می‌دهد. ۳۲ در خبرها آمده است که - سیصد مقام ارشد کلیسای انگلیس از دایر کردن برنامه‌های آموزشی همجنس‌بازی برای کشیشان حمایت می‌کنند. کشیشان خبر برنامه جنبش همجنس‌بازی مسیحی را تأیید کردند. ۳۳ در سایر کشورهای اروپایی وضعیتی مشابه آنچه در انگلستان می‌گذرد دیده می‌شود: - فرانسه استفاده از امکانات پزشکی برای زوجین همجنس‌باز بی‌شغل را توسعه داده است این امر مرحله برجسته‌ای را برای این افراد از نظر داشتن اتحادیه‌های رسمی خاص خود، ایجاد می‌کند. ۳۴ گستردگی این عمل پارلمان اروپا را وادار به اخذ تصمیم کرده است - پارلمان اروپا حکم کرد اتحادیه اروپا باید به زوجین همجنس‌باز اجازه ازدواج و پذیرش فرزند دهد. همچنین کشورهای اتحادیه اروپا باید سن معینی را برای فعالیت‌های جنسی همجنس و غیر همجنس تعیین کنند و این اتحادیه باید قطعنامه‌ای را که شامل قانونها و تبلیغات بر علیه فعالیت‌های جنسی میان افراد یک جنس می‌باشد و این عمل را گناه می‌شمارد منسوخ کند. ۳۵ توصیف این وقایع در پیشگوییهای آخرالزمان به‌طور واضح آمده است در روایتی از انجیل درباره وضعی اخلاق جنسی مردم در سالهای پیش از ظهور آمده است و همچنان که در ایام لوط بود... در روزی که پسر انسان ظاهر می‌شود نیز بر همین منوال خواهد بود. از رواج همجنس‌بازی در آخرالزمان با عنوان بازسازی شهر «سدوم» ۳۶ نیز یاد شده است همچنین روایات زیر که از زبان پیامبر اکرم ص و سایر معصومین نقل شده بیانگر پیشگویی حضرات معصومین ع نسبت به رواج همجنس‌بازی در آخرالزمان است پیامبر اکرم ص در توصیف این شرایط می‌فرماید: - هنگامی که مردان به مردان بسنده کنند و زنان به زنان ۳۷ - هنگامی که مرد برای آمیزش با زنان مورد سرزنش قرار بگیرد. ۳۸ - مرد برای مرد شانه می‌زند و آرایش می‌کند، آنچنانکه زن برای همسرش شانه می‌زند و خود را می‌آراید. مردان برای این کار اجرت می‌گیرند و گاهی مورد رقابت کاسبان واقع می‌شوند، و گاهی مرد ناموس مرد می‌شود و برای او غیرت به خرج می‌دهد و در راه او از بذل جان و مال دریغ نمی‌کند. ۳۹ - مردان امت من با طلا آرایش می‌کنند، حریر و دیبا می‌پوشند و از پوست پلنگ برای خود جامه درست می‌کنند. ۴۰ امیر مؤمنان ع نیز فرمودند: زن با زن می‌آمیزد و همانند عروس که برای داماد آرایش می‌کند برای یکدیگر آرایش می‌کنند. بی‌گمان ذکر اینهمه فاجعه بی‌اخلاقی و ابتذال روح و روان هر انسان مؤمنی را می‌آزارد اما، تصویر ارائه شده از میان اخبار و واقعیات تصویر وضعی است که بشر در آن دست و پا می‌زند و گاه برای ساکت کردن نهاد بیدار خود آن را نادیده می‌پندارد و یا از کنار آن به سادگی می‌گذرد و هیچ حساسیتی از خود بروز نمی‌دهد. آن مردان با بصیرت برای هشدار و بیدارباش صدها س? بی‌نوشتها: ۱. (Deaths in Quackes expected to rise). ۲. The Universal Almanac, Kansas City, ۱۹۹۳. ۳. Reuter ۳ jul ۱۹۹۵. ۴. (as cities grow). اشعیای نبی ۲۰-۱۸: ۲۴ / ۲۵-۳۰. ۴. کامل سلیمان روزگار رهایی ترجمه علی‌اکبر مهدی‌پور، ج ۱، ح ۱۳۰. ۵. روزگار رهایی ج ۲، ح ۱۴۳۱. ۶. محمدالسادہ شش ماه پایانی ترجمه محمود مطهری‌نیا، ص ۶۴. ۷. همان ۸. Washington Post ۷ May ۱۹۹۴. ۹. (Ten Times the Dead in Vietnam), AP, ۲۰ May ۱۹۹۴. ۱۱. AP, ۲ May ۱۹۹۴. ۱۰. انجیل متی ۲۴: ۳۷. ۱۲. پیدایش ۶: ۱۱. ۱۳. روزگار رهایی ج ۲، ح ۹۸۹. ۱۴. همان ح ۹۹۰. ۱۵. همان ح ۹۹۷. ۱۶. همان ح ۹۹۹. ۱۷. همان ح ۱۰۱۱. ۱۸. همان ح ۱۰۲۳. ۱۹. (Growing Up fast and Frightened), ۲۰. Newsweek ۲۲ Nov ۱۹۹۳. متی ۲۴: ۱۲. ۲۱. تیموتی ۴-۳: ۱. ۲۲. Dore, Rowan, Press Authority (PA-A). ۲۳. AP, New York, ۲۳ Aug ۱۹۹۴. (Study: Women Want Less Kids). ۲۴. Time, ۴ May ۱۹۹۲. ۲۵. روزگار رهایی ج ۲، ح ۹۸۶. ۲۶. همان ح ۹۸۸. ۲۷. همان ح ۹۹۳. ۲۸. همان ح ۹۹۴. ۲۹. همان ح ۱۰۰۰. ۳۰. همان ح ۱۰۱۲. ۳۱. همان ح ۱۰۴۷. ۳۲. (BBC to Give Gays? Hongymoon leave), Reoter, ۳۳. AP, ۵ Aug ۱۹۹۴. ۳۴. Anglican Bishops Back Gay Priests ûUPI, London, ۴ Feb ۱۹۹۶. ۳۳. AP, ۵ Aug ۲۲ May ۱۹۹۴.

۳۶. Reuter, ۸ Feb ۱۹۹۴. ۳۵. ۱۹۹۳. «سدوم شهری باستانی در فلسطین بود که به دلیل رواج عمل لواط در آن توسط خداوند نابود شد. به دلیل رواج این عمل در آن شهر، عمل شنیع لواط «سدومی نیز نامیده می‌شود. درباره این شهر گفته‌اند: شب قبل از نابودی آن «تمام مردان از تمام نقاط شهر، پیر و جوان سعی کردند با فرشتگان مذکری که در خانه لوط ع، بزرگ خاندان فرزند ابراهیم ع میهمان بودند رابطه جنسی پیدا کنند». پیدایش ۱۹:۴۵. ۳۷. روزگار رهایی ج ۲، ح ۱۰۷۴. ۳۸. همان ح ۱۰۷۷. ۳۹. همان ح ۱۰۸۱. ۴۰. همان ح ۱۰۸۲. ۴۱. ۴۲. Naisbitt, John, Megatrends ۲۰۰۰. ۴۳. ۴۱:۱۲. دانیال نبی ح ۴۳. روزگار رهایی ج ۲، صص ۶۸۸. ۴۴. همان صص ۶۸۹. ۴۵. Ferreira, Anton, «Satan-Hurler». Business Wire, ۱ Sep ۱۹۸۹. ۴۶. Fallows Trail of Bizarre Clues, Reuter, ۱ Aug ۱۹۹۵. ۴۷. Watch tower, ۱ Sep ۱۹۸۸. ۴۸. Gibson, Helen, «Modern Witches AP», ۳۱ Oct ۱۹۹۵. روزگار رهایی ج ۲، ح ۹۵۹. ۵۰. همان ح ۱۰۳۵. ۵۱. تیموتی اول ۱:۴.

### نظریهٔ اختیاری بودن ظهور-۳

قسمت سوم علیرضا نودهی اشاره در قسمت دوم این مجموعه مقالات نویسنده به بیان دلایل نظریهٔ اختیاری بودن ظهور پرداخت نخستین دسته از این دلایل که مورد بررسی قرار گرفت دلایل کلامی و نقلی بود. در همین ضمن نویسنده با این استدلال که اسباب ظهور رابطه عکس با علل غیبت دارند، به بررسی فلسفهٔ غیبت امام مهدی ع و نظریه‌های موجود در این زمینه پرداخت نظریه‌هایی که در قسمت قبل بررسی شد، عبارت بودند از: الف غیبت پناهگاهی برای حفظ جان مبارک آن حضرت است ب علت غیبت امتحان شیعیان است در این قسمت دیگر نظریه‌های مطرح شده در این زمینه بررسی می‌شود. ج علت غیبت بیعت نکردن با حکومت‌های طاغوت: امام رضا(ع) در این زمینه می‌فرماید: گویا شیعیانم را می‌بینم که هنگام مرگ سومین فرزندم در جست‌وجوی امام خود همه‌جا را می‌گردند اما او را نمی‌یابند. عرض کردم چرا یابن رسول‌الله(ص)؟ فرمود: برای اینکه امامشان غایب می‌شود. عرض کردم چرا غایب می‌شود؟ فرمود: برای اینکه وقتی با شمشیر قیام نماید بیعت احدی بر گردنش نباشد. ۱ امام زمان ع در نامه‌ای به محمد بن عثمان عت غیبت را چنین توضیح می‌دهند: أما ما وقع من الغیبة فإن الله عزوجل یقول «یا ایها الذین آمنوا لا تسألوا عن أشياء إن تبد لكم تسؤکم و امّا [درباره] عت غیبت خداوند متعال می‌فرماید: ((نپرسید از چیزهایی که اگر برای شما آشکار شود شما را ناراحت می‌کند. و در ادامه می‌فرماید: بر گردن همه پدران من بیعت سرکشان زمانه بود اما وقتی که من خروج کنم بیعت هیچ ظالم سرکشی بر گردن من نیست)). ۲ بعد از جریان سقیفه که خلیفه اول بر منبر رسول اکرم ص نشست چه اتفاقی افتاد؟ ماجرا را از زبان حضرت سلمان ره بشنویم وقتی شب شد علی ع حضرت زهرا(س) را سوار بر حماری نمود و دست دو پسرش امام حسن ع و امام حسین ع را گرفت و هیچ‌یک از اهل بدر از مهاجران و انصار را باقی نگذاشت مگر آن که به خانه‌هایشان آمد و حق خود را برایشان یادآور شد و آنان را برای یاری خویش فراخواند. ولی جز چهل و چهار نفر، کسی از آنان دعوت او را قبول نکرد. حضرت به آنان دستور داد هنگام صبح با سرهای تراشیده و در حالی که اسلحه‌هایشان را به همراه دارند بیایند و با او بیعت کنند که تا سر حد مرگ استوار بمانند. وقتی صبح شد جز چهار نفر کسی از آنان نزد او نیامد... امیر مؤمنان ع در شب بعد هم نزد آنان رفت و آنان را قسم داد و آنها گفتند: صبح نزد تو می‌آییم ولی هیچ‌یک از آنان غیر از ما نزد او نیامد. در شب سوم هم نزد آنان رفت ولی غیر از ما کسی نیامد. ۴ بنابراین اولین اقدام امیرالمؤمنین ع جمع آوری یاران و دعوت از آنها برای جهاد بود. اما وقتی که یارانی نیافت جز کناره‌گیری از حکومت چاره‌ای نبود. وقتی که حکومت وقت از امیر مؤمنان ع بیعت خواست ایشان آنقدر تعلل کردند تا آنکه همه فهمیدند که ایشان از حکومت وقت راضی نیستند و آن حکومت را طاغوت می‌دانند. بالاخره ریسمان در گردن او را به دارالخلافت بردند و بر آن حضرت ع شمشیر کشیدند تا آن حضرت بالاچار تن به بیعت دهد. ۴ لذا ایشان فرمودند:



بیعت کردن من با آنها نه باطلی از آنها را حق می‌کند و نه موجب حقی بر آنان می‌شود. ۵ یعنی بیعتی که اجباری و از روی اضطرار باشد حقی برای آن حکومت ایجاد نمی‌کند. امیر مؤمنان ع در پرتو این بیعت اضطراری که امتیازی برای آنها نبود علاوه بر اینکه جان خویش را نجات داد توانست به دیگر شؤن امامت بپردازد. دیگر ائمه اطهار(ع نیز در حالی که با رفتارشان طاغوت بودن حکومت‌های عصر خود را اعلام می‌کردند در سایه بیعت اجباری با آنها به تبلیغ و تثبیت مذهب شیعه می‌پرداختند. به طوری که در زمان امام باقر(ع) و امام صادق(ع) اصول شیعه مدون گردید و تا زمان امام عسکری(ع) مذهب شیعه کاملاً تثبیت شد. اما، زمان امام مهدی(ع) با زمان دیگر ائمه اطهار(ع) کاملاً متفاوت بود؛ چرا که اولاً حکومت وقت به چیزی جز قتل امام(ع) نمی‌اندیشید و به بیعت ایشان اصلاً راضی نبود چون از وعده‌ای که به شیعیان داده شده بود، کاملاً مطلع بودند و می‌دانستند که حضرت(ع) مانند رسول اکرم(ص) دست به شمشیر خواهد برد. و ثانیاً، تا زمان امام زمان(ع) اصول مذهب شیعه کاملاً توسط ائمه اطهار(ع) مدون گردیده و فقط استنباط فروع مانده بود که ایشان این مهم را به عهده نواب عام یعنی علمایی که عامل به علم خود هستند، نهادند. اما به خاطر اینکه تولد امام(ع) و وجود آن حضرت(ع) بر شیعیان اثبات شود از همان ابتدای تولد، غیبت کلی نکردند بلکه در ابتدا با تعیین نواب خاص غیبت صغرا داشتند و بعد غیبت کبرا شروع شد. بنابراین بعد از تدوین اصول شیعه امام(ع) نیازی به بیعت با حکومت‌های طاغوتی نداشتند و بعد از رساندن دین به مردم جز اقامه دین و مبارزه با ظلم و ستم چیزی بر عهده امام(ع) باقی نمانده بود. و این فقط با جهاد علیه حکومت‌های طاغوت میسر بود. لذا اگر امام(ع) بیعت می‌کردند دیگر نمی‌توانستند با آن حکومتها مبارزه کنند. بنابراین امام(ع) بنا به وظیفه‌ای که دارند؛ یعنی اقامه دین در پرتو حکومت عدل الهی با هیچ یک از حکومت‌های طاغوت بیعت نکردند تا به محض فراهم شدن زمینه‌ها و یاری رساندن شیعیان علیه حکومت‌های طاغوت قیام کنند. خلاصه اینکه حکومت با بیعت اضطراری از امام(ع) راضی نبود و فقط به قتل آن حضرت(ع) می‌اندیشید و از طرفی دیگر بعد از تدوین اصول مذهب شیعه امام(ع) نیازی به این بیعت اضطراری نداشت چرا که رسالت امام(ع) بعد از تثبیت و تدوین اصول شیعه چیزی جز اقامه پرچم حکومت الهی نبود و این رسالت نمی‌توانست با بیعت اختیاری با حکومت طاغوت انجام گیرد؛ چون در این صورت نمی‌توانست علیه آن حکومتها قیام کند. بنابراین بیعت نکردن با حکومت‌های طاغوت علت اولیه برای غیبت نیست بلکه علت ثانویه است یعنی امام(ع) بنا به رسالتی که داشتند نمی‌توانستند با حکومت‌های طاغوت بیعت کنند و این بیعت نکردن حتماً منجر به قتل امام(ع) می‌شد. پس علت اولیه غیبت همان حفظ جان مبارکشان می‌باشد. نکته آخر که ذکر آن لازم است دقت در روایت دوم این بخش است امام(ع) قبل از اینکه به فلسفه غیبت بپردازند اشاره به آیه‌ای از قرآن کریم کردند که می‌فرماید: «نرسید از چیزهایی که اگر برای شما آشکار شود شما را ناراحت می‌کند» ۶ حال آن علت چه چیز بوده است که موجب ناراحتی شیعیان می‌شود؟ اگر فرض کنیم آن علت از جانب خداوند متعال یا امام معصوم(ع) بوده است که در این صورت ناراحتی شیعیان معقول نیست پس باید علت چیزی باشد که به قصور و تقصیر شیعیان برگردد و آن علت جز ترس از جان مبارکشان به خاطر قلت یاران و کم‌همتی آنها چیز دیگری نیست ج غیبت ادامه تقیه است «تقیه ۷ به معنای خاص عبارت از کتمان و پوشاندن عقیده مذهبی است و به مفهوم عام آن کتمان هر گونه فکر، عقیده طرح و برنامه است که این معنا مورد نظر ماست تقیه شاخه‌ای از قانون «اهم و مهم است این قانون می‌گوید بر سر دوراهی و تعارض دو هدف آن را که از اهمیت کم‌تری برخوردار است رها کن تا به هدف اهم دست پیدا کنی یعنی چشم پوشی از مهم برای رسیدن به اهم تقیه یک تاکتیک است برای حمله‌ای گسترده‌تر و رسیدن به هدفی والا-تر نه اینکه تقیه ترس و ضعف و زبونی باشد. البته منافقان همواره تقیه را برای توجیه اعمال خود، دستاویز قرار داده‌اند. امام صادق(ع) فرمودند: به خدا سوگند اگر شما را برای یاری ما بخوانند، می‌گویید این کار را انجام نمی‌دهیم چرا که در حال تقیه هستیم و تقیه از پدران و مادرائتان در نظر شما محبوب‌تر است هر گاه قائم ما قیام کند، به خدا سوگند بدون نیاز به سؤال مجازات منافقان را درباره شما اجرا خواهد کرد. ۸ ولی به هر حال در بعضی از شرایط به خاطر اصلاح دین و جامعه تقیه واجب می‌شود. امام حسن(ع) می‌فرمایند: تقیه‌ای که حال امتی با آن اصلاح پذیرد

انجام دهنده آن پاداشی به قدر همه آن امت دارد. اما اگر در چنین موردی ترك تقیه گوید و امتی به هلاکت افتد شریک جرم هلاکت کننده خواهد بود. ۹ با نگاهی اجمالی به زندگی پیامبر اکرم (ص و ائمه اطهار) ع به موارد تقیه بهتر پی می‌بریم از بدو رسالت تاکنون گویی فقط یک معصوم انجام رسالت کرده است ولی در شرایط مختلف تصمیمهای متفاوتی گرفته است هر اقدامی از طرف معصوم در راستای تبلیغ حفظ و اقامه دین است ولی انجام این مهم با اقداماتی متفاوت بلکه به ظاهر متعارض صورت گرفته است غیبت امام عصر(ع نیز تقیه‌ای تاکتیکی برای حمله‌ای گسترده‌تر که همان تشکیل حکومت جهانی و اقامه دین در تمام جوانب آن است می‌باشد. برای روشن شدن این مطلب به اختصار به بعضی از موارد تقیه و اقدامات سیاسی معصومین ع می‌پردازیم

۱۰ پیامبر اکرم (ص بعد از بعثت تا مدت سه سال مخفیانه انجام رسالت کردند تا کفار قریش اسلام را در نطفه خفه نکنند. مدتی بعد از دعوت علنی هجرت و فرار از مکه به سوی مدینه را در دستور کار خود و مؤمنین قرار دادند و این نیز تاکتیکی بود برای تشکیل حکومت اسلامی که به فتح مکه منجر گردید. امیر مؤمنان ع بعد از جریان سقیفه در حالی که شمشیر بالای سرشان بود: به بیعت اضطراری با خلیفه وقت تن داد و این نیز یک تقیه تاکتیکی بود که خون خود و اسلام را حفظ کردند و بعد از تشکیل حکومت اسلامی در مدت پنج سال بسیاری از منافقان را کشتند و چیزی نمانده بود که درخت نفاق از ریشه خشک شود که شربت شهادت نوشیدند. امام حسن ع بعد از امیرالمؤمنین ع مردم را به جهاد علیه نفاق دعوت کردند ولی مردم از هر طرف فریاد زدند: «البقیه البقیه ۱۱ یعنی ما زندگی می‌خواهیم ما می‌خواهیم زنده بمانیم .. امام ع در ضمن پاسخ سؤالی که چرا دست از جنگ کشیدید فرمودند: سوگند به خدا اگر با معاویه جنگ می‌کردم مردم مرا به او تسلیم می‌کردند. ۱۲ امام حسن ع گرچه بنا به قانون تقیه با ام الفساد قرن صلح کردند ولی با این صلح توانستند چهره کریه و سیاه بنی امیه را به مردم بنمایانند؛ چرا که با این صلح گرد و غبار هیاهوی نفاق نشست و چهره ظلم و نفاق هویدا شد. امام حسین ع در عمر معاویه دست به قیامی نزد ولی صراحتاً با پیشنهاد ولیعهدی یزید که مخالف صلح‌نامه بود به مبارزه برخاستند. معاویه برای بیعت گرفتن برای یزید از مردم مدینه طی سخنانی به تمجید و توصیف یزید پرداخت امام حسین ع در همان جمع پرده تقیه را دریده فرمودند: تو یزید را چنان توصیف کردی که گویا شخصی را می‌خواهی معرفی کنی که زندگی او بر مردم پوشیده است و یا از غایبی خبر می‌دهی که مردم او را ندیده‌اند! و یا در این مورد فقط تو علم و اطلاع به دست آورده‌ای نه یزید آنچنان که باید خود را نشان داده و باطن خود را آشکار ساخته است یزید را آنچنان که هست معرفی کن یزید جوان سگ‌باز و کبوترباز و بوالهوسی است که عمرش با ساز و آواز و خوش گذرانی سپری می‌شود. ۱۳ یزید نه تنها ظاهرالفسق بود بلکه علناً رسالت و نبوت را انکار می‌کرد، فسق و فجور ظاهری یزید و نابخردی او بهترین فرصت بود تا انحرافی که در حکومت اسلامی از زمان سقیفه ایجاد شده بود، برای مردم روشن شود. از زمان پیامبر اکرم (ص به بعد حکومت اسلامی در حاله‌ای از نفاق و ریا و ظاهرسازی ادامه پیدا کرد و به قدری به نام اسلام و خلیفه مسلمین بدعتها زیاد شده بود که احتمال نابودی اسلام می‌رفت یعنی مرز بین حق و باطل کمرنگ و رو به محو شدن بود. لذا امام حسین ع برای حفظ اسلام جهاد کرد. البته اقدام ایشان از رنگ خون و از سنخ مظلومیت تمام بود. مظلومیتی که دل هر خفته‌ای را به درد می‌آورد. مظلومیت امام ع و اهل بیت ایشان در جریان کربلا، خطوط بین حق و باطل و معیارهای اسلام را چنان برجسته کرد که اسلام بیمه شد. لذا در آن زمان تقیه و بیعت با یزید حرام بود؛ چرا که باعث نابودی اسلام می‌شد و با نابودی اسلام و عقیده جان چون تکه گوشتی بی‌ارزش بود. واقعه عاشورا ولایت ائمه اطهار(ع را زنده کرد. امام حسین ع قبل از حرکت عاشورا در جمع تابعین و صحابه این نکته را تذکر داده فرمودند: سخنان مرا بشنوید و گفتار مرا بنویسید. وقتی که به شهرها و میان قبائل خود برگشتید، با افراد مورد اعتماد و اطمینان در میان بگذارید و آنان را به رهبری ما دعوت کنید؛ زیرا می‌ترسم این موضوع به دست فراموشی سپرده شود و حق نابود و مغلوب گردد. ۱۴ هدف دیگری که به تیر عاشورا نشست نابودی سلسله حکومت بنی امیه بوده لذا بعد از عاشورا قیامهای متعددی علیه بنی امیه صورت گرفت و سرانجام این سلسله شوم به دست عباسیان که خود را منتسب به ائمه اطهار(ع می‌کردند، برچیده شد.

امام زین العابدین ع به تبلیغ عاشورا پرداختند. محیط امام ع آکنده از رعب و وحشت بود. لذا ایشان از طریق دعا معارف و بعضی از نکات سیاسی را به مردم می‌فهماندند. امام زین العابدین ع در غالب دعا فرمودند: چه بسا دشمنی که شمشیر عداوتش را بر ضد من آخته دم تیغش را برای ضربه زدن بر من تیز کرده و سر نیزه‌اش را به قصد جان من تیز ساخته است زهرهای جانکاهش را برای کام من در جام فرو ریخته و مرا آماج تیرهای خویش قرار داده و چشم مراقبتش برای کنترل من نخفته است و مصمم است که به من گزند برساند و تلخانه مرارت خود را به من بنوشاند! خدا... ۱۵ در زمان حضرت زین العابدین ع فاجعه «حزّه رخ داد. این فاجعه از آنجا شروع شد که بعضی از بزرگان مدینه به دیدار یزید رفتند و او را در حال شرابخواری و سگ‌بازی دیدند. بعد از بازگشت دست به شورش زدند و حاکم مدینه را از شهر بیرون کردند، لشکریان یزید شورشیان را شکست دادند و مردم مدینه را قتل عام و شهر را غارت کردند. آنها در این واقعه جنایاتی مرتکب شدند که قلم از بیان آن شرم دارد. اما در این میان بیت امام زین العابدین ع در امان بود لذا ۴۰۰ نفر زن با خانواده خود به بیت امام ع پناهنده شدند و آن حضرت خون خود و شیعیان را برای اسلام حفظ کردند. علت کناره‌گیری امام ع از این قیام این بود: که اولاً، آنها ولایت امام ع را قبول نداشتند و ثانیاً، قیام در آن سطح با وجود آن شرایط اختناق نتیجه‌ای در بر نداشت لذا این مورد از موارد وجوب تقیه بود. امام باقر(ع) با توجه به جو اختناقی که حکومت وقت ایجاد کرده بود به فعالیت‌های علمی و فرهنگی بسنده کردند و این فعالیتها در زمان امام صادق ع به اوج خود رسید؛ چرا که حکومت بنی امیه با عباسیان درگیر بود و این فرصت مناسبی بود تا اصول مذهب شیعه تدوین شود. در این زمان عباسیان که می‌دیدند باد افکار عمومی به سمت تنفر از امویان و محبوبیت ائمه اطهار(ع) می‌وزد قیام خود را منتسب به ائمه اطهار(ع) می‌کردند. لذا مهمترین فعالیت سیاسی ائمه در دوران عباسیان این بود که صراحتاً عباسیان را از خود طرد می‌کردند و حکومت آنها را بدون هیچ تقیه‌ای طاغوت می‌دانستند؛ چرا که اگر تقیه می‌کردند دوباره حکومت طاغوت به نام اسلام بدعت‌هایی می‌گذاشت که به محو اسلام می‌انجامید و دوباره به عاشورایی دیگر احتیاج بود. ائمه اطهار(ع) ضمن خنثی کردن توطئه عباسیان به شیعیان سفارش می‌کردند که در خانه بنشینند و در قیام عباسیان شرکت نکنند. لذا اکثر احادیث نهی از قیام قبل از ظهور در این زمان وارد شده است امام صادق ع از قیام افرادی همچون زید حمایت می‌کرد و فرمود: وای به حال کسی که ندای او را بشنود و به یاری او نشتابد. ۱۶ ولی نامه دعوت به قیام از طرف عباسیان را سوزانده در جواب پیک عباسیان فرمودند: جوابش همین بود که دیدی ۱۷ طولی نکشید که چهره نفاق از روی عباسیان کنار رفت و آنها ظلم و ستم خود را نشان دادند به طوری که تنها یکی از فرماندهان آنها برای استقرار حکومتشان ششصد هزار تن را بازجویی شکنجه و به قتل رساند. ۱۹ امام کاظم ع به حفظ و ادامه فعالیت‌های علمی پرداختند. ایشان گرچه به خاطر نبودن یاران کافی بنا به قانون تقیه قیام نمی‌کردند، ولی در معرفی حکومت عباسیان به عنوان حکومت طاغوت و نفی انتساب حکومت عباسیان به اسلام هیچ تقیه‌ای نمی‌کردند. بنی عباس از نسل عموی پیامبر اسلام ص، عباس بن عبدالمطلب بودند، هارون نیز آشکارا روی انتساب خود به مقام رسالت تکیه نموده و در هر فرصتی آن را مطرح می‌کرد. او روزی در مدینه در میان انبوه جمعیت خطاب به پیامبر اکرم (ص) گفت درود بر تو ای پیامبر خدا! درود بر تو ای پسر عمو. با این گفته به مردم فهماند که خلیفه پسر عموی پیامبر است در این مقام امام صادق ع که در جمع حاضر بودند نزدیک قبر پیامبر رفته با صدای بلند فرمود: درود بر تو ای پیامبر خدا! درود بر تو ای پدر. ۲۰ هارون از این سخن سخت ناراحت شد به طوری که رنگ صورتش تغییر یافت مأمون امام رضا(ع) را به طوس فرا خواند و به ایشان پیشنهاد ولی‌عهدی داد تا با این نقشه هم خود را مرید ائمه اطهار (ع) نشان دهد و از مرکب افکار عمومی سواری بگیرد و هم امام ع را از نزدیک زیر نظر داشته باشد. امام ع چند ماه مقاومت کردند تا اینکه مأمون آن حضرت ع را در قبول ولی‌عهدی تهدید کرد و گفت به خدا قسم اگر از قبول پیشنهاد ولایت‌عهدی خودداری کنی تو را به جبر وادار به این کار می‌کنم و چنانچه باز هم تمکین نکردی به قتل می‌رسانم ۲۰ امام رضا(ع) که مجبور به تقیه و قبول این پیشنهاد بودند و از طرفی می‌خواستند که اقدامات حکومت منتسب به ایشان نباشد فرمودند: من به این شرط ولایت‌عهدی تو را می‌پذیرم که



هرگز در امور ملک و مملکت مصدر امری نباشم و در هیچ یک از امور دستگاه خلافت همچون عزل و نصب حکام و قضا و فتوا، دخالتی نداشته باشم ۲۱ امام با این شرط ولایت‌عهدی را در عمل نپذیرفتند. و توطئه عباسیان در انتساب حکومتشان به ائمه اطهار (ع) را خنثی کردند. و از طرفی هم تقیه کردند و فقط اسم ولایت‌عهدی را پذیرفتند و خون خود را حفظ کردند. از زمان امام جواد (ع) به بعد اختناق حکومت بسیار شدید شد و ائمه اطهار (ع) در سنین پایین به شهادت می‌رسیدند. مأمون امام جواد (ع) را به مرکز حکومتش در بغداد فرا خواند و دخترش ام‌ا پی نوشتها: ۱. محمدباقر مجلسی بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۲. همان ج ۵۲، ص ۹۲، حدیث ۷. ۳. سلیم بن قیس هلالی اسرار آل محمد (ع)، ترجمه اسماعیل انصاری زنجانی خوبی انتشارات دلیل ما، چاپ دوم ص ۱۶۰. ۴. ر. ک. همان ص ۱۸۲. همان ص ۲۹۴. ۶. سوره مائده (۵)، آیه ۱۰۱. ۷. ر. ک. ناصر مکارم شیرازی «مقاله تقیه، مجله مکتب اسلام سال هجدهم شماره ۶ و ۷. ۸. شیخ حر عاملی تفصیل وسائل الشیعه قم مؤسسه‌اللیت لاحیاء التراث ابواب الامر والنهی باب ۳۱، ص ۲۳۴، ح ۲. همان ج ۱۶، ص ۲۲۲. ۱۰. برای توضیح بیشتر ر. ک. مهدی پیشوائی سیره پیشوایان ۱۱. ابن اثیر، الکامل فی التاریخ بیروت دار صادر، ج ۳، ص ۴۰۶. ۱۲. بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۲۰. ۱۳. ابن قتیبه دینوری الامامه و السیاسة مکتبه مصطفی البابی المجلسی ج ۱، ص ۱۸۶. ۱۴. طبرسی الاحتجاج نجف المطبعة المرتضویه ص ۱۶۱. ۱۵. صحیفه سجاده ترجمه صدر بلاغی تهران حسینیه ارشاد، معاصی ۴۹، ص ۶۱۰. ۱۶. شیخ صدوق عیون أخبار الرضا، بیروت مؤسسه الاعلمی للمطبوعات ج ۱، ص ۲۲۵. ۱۷. مسعودی مروج الذهب بیروت دارالاندلس ج ۳، ص ۲۵۳. ۱۸. ابن کثیر، البدایه و النهایه بیروت مکتبه المعارف ج ۱۰، ص ۷۲. ۱۹. شیخ مفید، الارشاد، قم مکتبه بصیرتی ص ۲۹۸. ۲۰. شیخ صدوق علل الشرایع قم منشورات مکتبه الطباطبائی ج ۱، ص ۲۲۶. ۲۱. شیخ مفید، الارشاد، قم منشورات مکتبه بصیرتی ص ۳۱۰. ۲۲. اربلی کشف الغمّه تبریز، مکتبه بنی هاشمی ج ۳، ص ۱۷۵. ۲۳. بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۱۸۵. ۲۴. مسعودی إثبات الوصیه الطبعة الرابعة نجف المکتبه الحیدریه ص ۲۴۳.

### پژوهشی درباره زیارت‌های جامعه

سید کاظم طباطبایی اشاره در میان زیارتنامه‌های مأثور، زیارت‌هایی وجود دارد که به زیارات جامعه مشهور است این زیارتنامه‌ها را بدان سبب جامعه خوانده‌اند که متن آنها به گونه‌ای تنظیم و آموزش داده شده است که می‌توان با خواندن یکی از آنها هر یک از امامان ع را از دور یا نزدیک زیارت کرد. بنابراین این گونه زیارتها ویژه امام یا مکان یا زمانی خاص نیست زیارتنامه‌هایی که چنین خصوصیتی دارد بسیار است در این مقاله برخی از این زیارتنامه‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد. ۱. درآمد «زیارت که واژه‌ای عربی است مصدر «زار یزور» و به معنای «برای همدمی و مؤانست یا حاجتی به خانه یا دیدار کسی رفتن ۱»، است و در فرهنگ و آیین مسلمانان و به ویژه شیعیان رفتن به مشاهد متبرک و بقعه‌ها ۲ و نیز اذکار، اوراد و دعاهایی را که به عنوان تشریف باطنی برای پیامبران امامان امامزادگان و اولیا خوانند «زیارت گویند. بنابراین در نظر فرد مسلمان «زیارت برقرار کردن ارتباط قلبی است با حجت خدا، و قرار دادن خویشتن خویش است در حوزه روحانیت و فیض بخشی [پیامبر و] امام ۳. امام علی بن موسی الرضاع درباره زیارت فرموده است هر امامی را پیمانی در گردن اولیا و شیعیانش است وفای به این پیمان وقتی تمام و کامل است که قبرهایشان زیارت شود. پس کسی که امامان را مشتاقانه زیارت کند و به آن چه مورد خواست و رغبت آنان بوده تصدیق داشته باشد، امامانش در روز رستاخیز شفیع او خواهند بود ۴. در نتیجه می‌توان - و بلکه باید - گفت «زیارت تجدید پیمان با حجت خدا و استوار گرداندن رشته مودت و اطاعت مأموم نسبت به امام است که پیشوای فکری و علمی می‌باشد» ۵. زیارت آداب و ترتیبی دارد که از جمله آن آداب خواندن زیارتنامه‌ها و دعاها و بر زبان راندن اذکار مخصوصی است که از ائمه ع بر جای مانده است عالمان امامیه این زیارتنامه‌ها و دعاها را با عین الفاظ و تعبیرات امامان در مجموعه متون حدیث یا در مؤلفاتی مستقل زیر عنوان المزار یا کتاب المزار یا الزیارات ثبت و ضبط کرده‌اند ۶. ۲. زیارت‌های جامعه و وجه تسمیه آنها در میان زیارتنامه‌های مأثور، زیارت‌هایی

وجود دارد که به «زیارات جامعه مشهور است این زیارتنامه‌ها را بدان سبب «جامعه خوانده‌اند که متن آنها به گونه‌ای تنظیم و آموزش داده شده است که می‌توان با خواندن یکی از آنها هر یک از امامان را از دور یا نزدیک زیارت کرد. بنابراین این گونه زیارتها ویژه امام یا مکان یا زمانی خاص نیست ۷. زیارتنامه‌هایی که چنین خصوصیتی دارد بسیار است برخی از مؤلفان کتب ادعیه و زیارات فقط به آوردن یکی از این زیارتها اتمام نشان داده‌اند ۸. اما برخی دیگر، چند فقره از آنها را در کتابهای خویش به ودیعت نهاده‌اند. چنان‌که ابن بابویه قمی ملقب به «صدوق دو فقره ۹ سید محسن امین چهار فقره ۱۰ محدث قمی پنج فقره ۱۱ و مولی محمدباقر مجلسی در «باب الزیارات الجامعه به تعداد پیشوایان معصوم ع چهارده فقره ۱۲، از این زیارتها را نقل کرده است مجلسی پس از نقل آن زیارتها گوشزد می‌کند که زیارتهای جامعه دیگری هم هست که به سبب موثق نبودن یا تکراری بودن مضامین از آوردن آنها چشم پوشیدیم ۱۳ در این جا مناسب است با کمال ایجاز و با همان ترتیبی که مجلسی دوم در بحارالانوار آورده است به توصیف این زیارتها بپردازیم ۱۲-۱. زیارت اول که آن را در برابر زیارت «جامعه کبیره، زیارت «جامعه صغیره می‌نامند، زیارتی است که امام رضا(ع) آن را در پاسخ پرسش کسانی که درباره چگونگی زیارت امام ابوالحسن موسی بن جعفر(ع) پرسیده بودند به شیعیان آموخت و فرمود: در مسجدهای پیرامون آرامگاه نماز گزارید و مجزی است در همه جا، یعنی در زیارت هر یک از ائمه بگوئید: السلام علی اولیاء الله و اصفیائه السلام علی ائمه الله و احنائه ... این زیارت کوتاه با اسنادهای زیر نقل شده است الف ابن بابویه از ابن ولید از صفار از علی بن حسان از امام رضا(ع) ۱۴. ب ابن قولویه از محمد بن حسین مت جوهری از ابوجعفر محمد بن احمد اشعری قمی از هارون بن مسلم از علی بن حسان از امام رضا(ع) ۱۵. ج کلینی از محمد بن یحیی از اشعری از هارون بن مسلم از علی بن حسان از امام رضا(ع) ۱۶. ۲-۲. زیارت دوم دارای متنی بلند و همان است که به «زیارت جامعه کبیره شهرت دارد این زیارت از امام هادی(ع) نقل شده است صدوق از دقاق و سنانی و وراق و مکتب و آنان جملگی از محمد بن ابی عبدالله کوفی و ابوالحسن اسدی و آن دو به نوبه خود از محمد بن اسماعیل برمکی از موسی بن عمران (یا عبدالله) ۱۷ نخعی حدیث کرده‌اند که گفت به علی بن محمد(ع) گفتم ای زاده رسول خدا، به من سخنی بلیغ و کامل بیاموز تا وقتی خواستم یکی از شما را زیارت کنم آن را بر زبان رانم پس آن امام فرمود: چون به درگاه روضه رسیدی بایست و در حالتی که باید با غسل باشی شهادتین بگو. آنگاه چون داخل قبه شدی و قبر را دیدی بایست و سی مرتبه الله اکبر بگو. پس از آن با سکینه (آرامش دل ۱۸ و وقار) آرامش تن ۱۹ و با گامهای کوتاه و آهسته اندکی پیش برو. بعد بایست و سی مرتبه [دیگر] الله اکبر بگو. پس از آن به قبر نزدیک شو و چهل مرتبه الله اکبر بگو تا صد مرتبه کامل شود. آنگاه بگو «السلام علیکم یا أهل بیت النبوة و موضع الرسالة ..». ۲۰ گویا سبب این تکبیرهای بسیار آن باشد که زائران از تعبیرات و مضامین امثال این زیارت به غلو گرفتار نشوند یا از بزرگی حق غافل نمانند و از اصل استوار «توحید» منحرف نشوند. ۲۱-۲۳. زیارت سوم این زیارت با زیارت «جامعه کبیره در الفاظ اختلافاتی دارد و از آن مبسوط‌تر است و معلوم نیست از زبان کدام یک از امامان(ع) نقل شده است ۲۲ مجلسی دوم درباره این زیارت گوید: چون من این زیارت را در اصلی مصحح و کهن که آن را در آغاز کتاب خود «کتاب عتیق نامیدم مبسوط‌تر و با اختلافاتی در الفاظ آن دیدم دوست دارم آن را نقل کنم. ۲۳-۲۴. زیارت چهارم، این زیارتنامه که نسبتاً کوتاه است از زبان امام صادق(ع) برای زیارت امام حسین(ع) و دیگر امامان نقل شده است سند این زیارت چنین است ابن قولویه از پدرش و گروهی از استادانش به واسطه محمد عطار و نیز ابن قولویه از محمد بن حسین بن مت جوهری و آنان جملگی از اشعری از علی بن حسان از عروه بن اسحاق ابن اخی شعیب عرقوفی از «کسی که آن را ذکر کرده از امام ابی عبدالله [امام صادق(ع)] حدیث کرده‌اند که گفت هر گاه به نزدیک قبر حسین بن علی(ع) آمدی این جملات را که در کنار آرامگاه هر امام دیگری نیز مجزی است می‌توانی بگویی «السلام علیکم من الله، السلام علی محمد امین الله علی رسله ..». ۲۴. گفتنی است که در سند این زیارت دو اشکال به چشم می‌خورد: یکی اینکه عروه بن اسحاق امامی اما ناشناخته است ۲۵ دیگر اینکه راوی زیارت از امام صادق(ع) نامش در سلسله سند مذکور نیست و در نتیجه

اسناد زیارت «مرسل است ۵۲. زیارت پنجم زیارتنامه‌ای بلند است که سید بن طاووس و مؤلف المزار الکبیر روایت کرده و گفته‌اند: این زیارت از ائمه ع روایت شده است ولی معین نکرده‌اند کدام یک از امامان ع آن را به شیعیان خود تعلیم داده‌اند ۲۶. آغاز این زیارت چنین است السلام علیکم ائمة المؤمنین و سادة المتقين ... ۶۲. زیارت ششم همان زیارت معروف «امین‌الله» است ابن طاووس با اسانیدی چند از جابرجعی از امام باقر(ع) روایت کرده است که پدرم علی بن الحسین ع به سوی مشهد امیرالمؤمنین ع رفت و در کنار آرامگاه ایستاد. آنگاه گریست و گفت «السلام علیک یا امین‌الله فی أرضه ..». بنا به نقل ابن طاووس امام باقر(ع) فرموده است هر کس از شیعیان ما این زیارت را در کنار آرامگاه امیر مؤمنان ع یا یکی از ائمه بخواند، آن را در نامه‌ای از نور بالا برند و مهر محمد(ص بر آن زند و آن را محفوظ دارند تا به قائم تسلیم کنند تا سرانجام با بشارت و تحیت و کرامت صاحبش را ملاقات کند. ۲۷ این روایت حاکی است که هم امیرالمؤمنین ع و هم دیگر امامان ع را با این زیارتنامه می‌توان زیارت کرد. پس این زیارت هم از زیارت‌های مطلق و هم از زیارت‌های مخصوص روز غدیر ۲۸ و هم از زیارت‌های جامعه است ۲۹ درباره اهمیت این زیارت مجلسی دوم گفته است این زیارت از نظر متن و سند بهترین زیارت‌هاست پس شایسته است مؤمنان در همه روضات مقدس ائمه بر آن مواظبت و اهتمام داشته باشند. ۳۰-۷. زیارت هفتم، ابن طاووس گوید: این زیارت از ابوالحسن ثالث [امام هادی (ع)] روایت شده است در آغاز اذن ورود می‌گیری سپس پای راست را مقدم بر پای چپ گذاشته داخل می‌شوی و می‌گویی «بسم‌الله و بالله و علی ملة رسول‌الله...» ۳۱. مجلسی پس از نقل این زیارت اظهار داشته است به نظر می‌رسد آنچه سید ذکر کرده روایتی واحد [و یکپارچه] نیست بلکه او روایتها را با هم جمع و تألیف کرده است. ۳۲-۸. زیارت هشتم ابن طاووس این زیارت را ذکر کرده و گفته است «این از سخنان امام رضاع است. به گمان مجلسی دوم او این زیارت را از خبری که عبدالعزیز بن مسلم درباره فضل و صفات امام از زبان امام رضاع روایت کرده فراهم ساخته و سامان داده است ولی چندان که باید از عهده تألیف آن برنیامده است ۳۳ ابن طاووس گوید: چون خواستی که یکی از امامان را زیارت کنی در برابر ضریح او بایست و بگو: «السلام علی القائمین مقام الانبیاء، الوارثین علوم الاصفیاء...» ۳۴. ۲-۹. زیارت نهم این زیارتنامه را هم ابن طاووس در کتاب مصباح الزائر آورده و گفته است در برابر ضریح امام مزور ۳۵ می‌ایستی و می‌گویی «اللهم انی أسألك یا رافع السموات المبتیات ..». ۳۶ مجلسی پس از نقل متن این زیارت اظهار می‌دارد: شاید این زیارتنامه از مؤلفات وی [ابن طاووس] یا امثال وی باشد. همچنان که ساختار و نظام آن بر چنین احتمالی گواهی می‌دهد. ۳۷-۲-۱۰. زیارت دهم شیخ طوسی از طریق ابن عیاش گوید: خیر بن عبدالله از مولای خود ابوالقاسم حسین بن روح برایم حدیث کرد که گفت هر یک از مشاهد را که در ماه رجب در کنارش باشی زیارت کن چون داخل شدی بگو: «ألحمد لله الذی أشهدنا مشهد أولیائه فی رجب و أوجب علینا فی حقهم ما قد وجب . ۳۸ گفتنی است که این زیارت همان است که به «زیارت رجبیه شهرت دارد. ۳۹ محدث قمی نیز آن را زیر عنوان «زیارت پنجم جامعه آورده است ۴۰-۲-۱۱. زیارت یازدهم مجلسی دوم که از این زیارت به عنوان «زیارت مصافقه ۴۱ یاد کرده است می‌نویسد: در نسخه‌ای کهن از مؤلفات عالمان امامی مطلبی یافتیم که عین عبارت آن چنین است «تنی چند روایت کرده‌اند که زیارت سروران مالع در حقیقت تجدید پیمان و میثاق مأخوذی است که بر گردن بندگان است راه و روش زیارت این است که زایر به هنگام زیارت امامان ع بگوید: «جتک یا مولای زائراً لک و مسلماً علیک ..». در پایان گوید: آنگاه دو رکعت نماز زیارت به جای می‌آوری و باز می‌گردی اگر چنین کنی زیارت به سان عهد و میثاق تازه باشد. آنگاه مجلسی گوید: برخی از متأخران این زیارتنامه را عیناً از شیخ مفید نقل کرده‌اند. ۴۲-۲-۱۲. زیارت دوازدهم مجلسی گوید: این زیارتی است که آن را در همان کتاب مذکور دیدم گمان می‌رود که این از مؤلفات عالمان و غیر منقول از ائمه باشد. این زیارت چنین آغاز می‌شود: السلام علی کافة الانبیاء والمرسلین السلام علی حجج الله علی العالمین .. ۴۳-۲-۱۳. زیارت سیزدهم این زیارت نیز از همان کتاب کهن پیش گفته مأخوذ است آغاز این زیارت چنین است السلام علیکم یا سادة المؤمنین و ائمة المتقين .. ۴۴-۲-۱۴. زیارت چهاردهم این یکی نیز از همان نسخه کهن پیش گفته منقول است در

آن کتاب گوید: اذن دخول می‌گیری و می‌گویی «السَّلامُ علیکم یا محالَّ معرفة الله، السَّلامُ علیکم یا مساکن برکة الله...». ۴۵. ۳. نسبت این زیارتها با یکدیگر از رهگذر مقایسه متن این زیارتنامه‌ها با یکدیگر به روشنی می‌توان دریافت که نسبت بیشتر این زیارتها با هم «عموم و خصوص من وجه است بدین معنا که در عین اشتراک در پاره‌ای از مواضع و فقرات در مواضعی دیگر با هم اختلاف دارند. ۴. داوری مجلسی دوم درباره این زیارتها مجلسی پس از نقل زیارتهایی که در سطور بالا توصیف شد، بی‌آنکه دلیل یا دلایل خود را بیان کند، در مقام ارزیابی و داوری درباره آنها می‌گوید: در این کتاب به عدد معصومین ع چهارده زیارت جامعه آوردم ولی برترین و موثق‌ترین آنها دومی [یعنی زیارت موسوم به جامعه کبیره] است و پس از آن به ترتیب زیارت اول [یعنی زیارت جامعه صغیره]، چهارم پنجم ششم [یعنی زیارت امین الله]، هفتم دهم و سوم است ۴۶

### امیرالمؤمنین ع دارنده سنتهای انبیای پیشین ع

سخنرانی آیت‌الله العظمی وحید خراسانی ترجمه حسین رضایی فرد مهم این است که قلبان را متوجه مظلومیت شخصی کنیم که مظلوم‌تر از ایشان در طول تاریخ بشریت وجود نداشته و وجود هم نخواهد داشت در سیزدهم ماه رجب) مولودی در خانه کعبه پا بر عرصه هستی نهاد، که زبانها و قلمهای بسیاری همواره پیرامون ایشان داد سخن داده‌اند؛ لیکن هر آنچه گفته یا نوشته شده و یا گفته و نوشته خواهد شد، نسبت به مقام رفیع ایشان همچون نسبت میان بال مگس به عقاب بلندپرواز است و این سخنی است که نه در مقام خطابه بلکه با برهان قابل اثبات است ما می‌دانیم که خداوند تعالی «لایدرك ولا یوصف است یعنی نه درك شده و نه قابل توصیف است بلکه حتی بنده مخلوقش که در او سر «اسم اعظم نهفته است نیز برتر از وصف و ادراک افهام بشر است و تنها راسخین در علم‌اند که این مسأله را می‌فهمند و فقط آنان هستند که می‌دانند چرا امیرالمؤمنین ع فوق وصف و ادراک بشر است در کتاب بصائر الدرجات، (صفحه ۱۳۴) آمده است عن أبي جعفر (ع) قال كانت في عليّ سنّة ألف نبی در حضرت علی ع سنت هزار پیامبر وجود دارد. سند این روایت در بالا-ترین مرتبه اعتبار قرار دارد و برخی از «اصحاب اجماع جزء راویان این حدیث شریف می‌باشند. و اما متن روایت مشتمل بر جمله‌ای است که حتی به کمال رسیدگان در خرد و معرفت را به تحیر و شگفتی واداشته است این حدیث شریف می‌خواهد این نکته را به ما بفهماند که فهم و شناخت امیرالمؤمنین ع متوقف بر شناخت نبوت است اما نه فقط فهم نبوت بلکه متوقف بر فهم و شناخت هزار نبی است که یکی از آن هزار نبی حضرت آدم ع و یکی از آنها ابراهیم خلیل الرحمن ع و یکی از ایشان موسی بن عمران ع و یکی از آن هزار نبی عیسی بن مریم و بقیه پیامبران اولی‌العزم ع است و به عبارتی حضرت علی ع عصارة این هزار پیامبر است با این اوصاف چگونه می‌توان از ایشان سخن گفت و یا مطلبی نوشت ما قادر به درك مقام نبوت به معنای مطلق و عام آن هم نیستیم چرا که نبی موجودی است که دارای دو جنبه است جنبه ملکوتی و جنبه بشری جنبه ملکوتی نبی در ارتباط با حق است که با آن وحی الهی را دریافت می‌کند و جنبه بشری او در ارتباط با خلق است که با آن به تبلیغ وحی می‌پردازد. و با این دو جنبه نبی نبی می‌شود؛ لذا چگونه درك جنبه الهی نبی برای امثال ما که غرق در جنبه بشری هستیم با این پایه از علم و معرفتی که داریم میسر می‌شود؟! البته کسانی که خیال می‌کنند، مقام نبی را فهمیده و شناخته‌اند، در واقع این ادعایشان دلیل بر عدم شناخت و فهم نبوت است چرا که اگر اندکی در مورد این موضوع و حکمت نبوت تعمق کنیم به راحتی متوجه می‌شویم که قضیه بسیار فراتر از فهم و درك ماست همه اینها مربوط به فهم پایین‌ترین مراتب نبوت بود، تا چه رسد به مراتب عالی نبوت بنابراین چاره‌ای نیست جز اینکه اعتراف کنیم که نه تنها ما بلکه تمامی انسانها از اولین تا آخرین قادر به درك حتی مقامی شبیه به مقام نبوت نیز نیستند؛ چرا که نبوت حقیقی از عالم ملکوت و دور از دسترس ما - که جدا از آن عالم و غرق در عالم ملک هستیم - می‌باشد. ما چگونه می‌توانیم بفهمیم که معنای اتصال شخص به ملکوت چیست نبی انسانی از این نوع است که خداوند متعال درباره‌اش می‌فرماید: و كذلك نرى إبراهيم ملكوت السموات والارض و ليكون من الموقنين ۱ و این‌گونه ملکوت

آسمانها و زمین را به ابراهیم نمایاندم تا از جمله یقین کنندگان باشد. و حقیقت اتصال نبی به عالم ملکوت مقوله متفاوتی است که از اولین درجات ارتباط شروع و به اعلی درجات ارتباط ختم می‌گردد! و چگونه است ابتدای آن و وسط آن و انتهای آن! در حالیکه ما حتی از ادراک پایین‌ترین درجات ارتباط نبی با ملکوت عاجزیم چگونه قادر به درک درجات متوسط این ارتباط می‌باشیم تا چه رسد به درجات عالی آن که نقطه نهایت قوس صعود و نزول است نقطه‌ای که هرم وجود از آن آغاز گشته و کمال هر موجودی به آن منتهی می‌شود؛ یعنی درجه...ولکن رسول الله و خاتم النبیین و کان الله بکل شیء علیما. ۲... ولی او فرستاده خدا و خاتم پیامبران است و خدا همواره بر هر چیزی داناست حال که تا حدودی دایره عالم نبوت با درجات مختلف از ادنی تا اعلای آن را تصور نمودیم به بررسی معنای (سنت می‌پردازیم اینکه حدیث شریف می‌فرماید: «در امیرالمؤمنین ع سنت هزار نبی وجود دارد» یعنی چه سنت در اینجا به معنای بارزترین ویژگی و صفت هر پیامبر است مثلاً صفت علم در آدم ع «و علم آدم الاسماء کلها» ۳ و صبر و تقوا در نوح ع و خلیل بودن ابراهیم ع و مناجات موسی بن عمران ع و دوری از دنیا و اشتغال به عبادت عیسی ع. این معنای سنت هر پیامبر است با این حساب اگر عطر هزار نبی و سنتهای آنها در یک شخص جمع شود، صاحب آن دارای چه درجه‌ای خواهد بود؟ و مقام ایشان چگونه خواهد بود؟ این حدیث شریف علاوه بر این که از حیث سند قوی است و جای هیچ تردیدی در آن نیست موضوع و محتوای آن نیز برای آشنایان به مصادر اسلام اعم از شیعه و سنی واضح و روشن است و مقام حضرت علی ع به خوبی از آن فهمیده می‌شود. البته روایات مشتمل بر چنین مضمونی در مصادر شیعه و سنی موجود بوده و پیامبر اکرم ص به بیانهای مختلفی از شباهت حضرت علی ع و عده‌ای از انبیاء(ع سخن گفته‌اند؛ ولی فعلاً مجال بحث درباره آنها وجود ندارد، لذا تنها یکی از آنها را انتخاب کرده‌ایم تا به اندازه توانتان برای احقاق حق این مظلوم تلاش و کرامت خویش را نزد پروردگارتان حفظ کنید؛ در حالیکه بر سفره علی ع روزی می‌خورید و امید شفاعت حضرت را در فردای قیامت دارید. برای فهم این روایت شریف به نکته‌ای اشاره می‌کنم تا اینکه در آن تأمل کنید و این حق ضایع شده را یاری کنید. چنان حق ضایع شده‌ای که تا کنون مثل آن رخ نداده و مظلومی همانند ایشان دیده نشده است سخن ابوذر (ره را ملاحظه کنید: بینما أنا ذات یوم من الایام بین یدی رسول الله(ص إذ قام و رکع و سجد شکرًا لله تعالی ثم قال یا جندب من أراد أن ینظر إلی آدم فی علمه و إلی نوح فی فهمه و إلی ابراهیم فی خلته و إلی موسی فی مناجاته و إلی عیسی فی سیاحته و إلی ایوب فی صبره و بلائیه فلینظر إلی هذا الرجل المقبل الذی هو کالشمس والقمر الساری والکوکب الدّری. أشجع الناس قلباً، و أسخی الناس کفأً، فعلی مبغضه لعنة الله و الملائکة و الناس أجمعین قال فالتفت الناس ینظرون من هذا المقبل فإذا هو علی بن ابی طالب به همراه عده‌ای از اصحاب در محضر پیامبر اکرم ص نشسته بودم که پیامبر(ص جهت شکرگزاری به درگاه الهی برخاستند و به رکوع و سجود پرداختند. آنگاه فرمودند: ای ابوذر، هر کس می‌خواهد علم آدم فهم نوح خلیل الرحمان بودن ابراهیم مناجات موسی زهد و عبادت عیسی و صبر و ابتلای ایوب را مشاهده کند پس باید به مردی که هم‌اکنون خواهد آمد، بنگرد؛ مردی که همچون خورشید و ماه سیر کننده و ستاره درخشان است شجاع‌ترین انسانها و بخشنده‌ترین آنهاست پس بر دشمنانش لعنت خدا و ملائکه و جمیع مردم باد! ابوذر می‌گوید: مردم منتظر بودند که ببینند این فرد که وارد خواهد شد کیست که در این هنگام علی بن ابیطالب ع وارد گشت هنگامی که ما از رسول‌الله(ص سخن نقل می‌کنیم باید در تک‌تک کلمات و حرکات و سکنتات ایشان دقت و تأمل به خرج دهیم چرا که شخصی که خداوند تعالی خود را به خاطر سیر دادن ایشان از مسجد الحرام به مسجد الاقصی تنزیه و تسبیح کرده و فرموده است سبحان الذی أسری بعبده .. ۴. و شناخت چنین شخصی با این مقام رفیع ممکن نیست مگر اجمالاً، همانطور که خداوند متعال اشاره کرده با سخن خویش فأوحی إلی عبده ما أوحی ۵. مثل چنین فردی شایسته نیست که رفتار و گفتارش را همانند رفتار و گفتار سایر مردم تلقی کنیم زیرا کلیه حرکات و سکنتات ایشان دارای حساب و کتاب است در این روایت می‌فرماید: هر کس که می‌خواهد به آدم در عطر وجودش که همان علم است بنگرد، و به نوح در عطر وجودش که فهم است بنگرد و به سایر انبیای عظام ع در عالی‌ترین صفتشان بنگرد،



پس به مردی که خواهد آمد نگاه کند. و نیز این سخن پیامبر(ص) جزء اعجازهای نبوی است چرا که در واقع خداوند بود که پیامبر(ص) را به این صفات انبیای سابق آگاه کرد و همچنین خبر داد که دارنده چنین صفاتی در راه است و خداوند امر نمود که پیامبر(ص)، مسلمین را به مقام عظیم امیرالمؤمنین ع قبل از ورودشان آگاه کند تا اینکه مسلمین او را بزرگ دانسته و منتظر ورودش باشند و با خود بیندیشند که این شخص ربانی که خدا و رسولش چنین او را مدح می‌کنند، چه کسی است و آنچه که عقول را بیشتر گرفتار حیرت می‌کند افزون بر آن صفات بی نظیری که حضرت علی ع را بدان توصیف نمود این جمله ایشان است الذی هو كالشمس والقمر الساری والکوکب الدّری! و ما می‌دانیم که اجرام سماوی بر سه قسم‌اند: ستارگان درخشانی که نورشان از خویش است و قمرهای نورانی که نورشان از ستاره‌هاست و نجوم و حال آنکه پیامبر(ص)، امیرالمؤمنین ع را به هر سه این صفات توصیف نمود. و این کلامی نیست که از یک عارف یا فیلسوف یا منجم صادر شده باشد تا بتوان آن را به عالم آنها حمل کنیم و همینطور گوینده آن موسی و عیسی ع هم نیست بلکه قائل آن خاتم الانبیاء والمرسلین و عقل کل و نقطه اتصال پروردگار و جمیع آفریده‌های ایشان است پیامبر(ص) به ما می‌فرماید اگر می‌خواهید به شخصی بنگرید که حامل علم آدم فهم نوح خلیلی ابراهیم مناجات موسی زهد و عبادت عیسی و صبر ایوب (علیهم السلام) ... است پس به علی بن ابی طالب ع بنگرد و هم چنین اضافه می‌فرماید که علی (ع) فوق خورشید درخشان و ماه تابان و ستارگان پر فروغ است کلمه «اشجع الناس عام‌ترین لفظ در دلالت بر تفضیل است یعنی هیچ کس از ایشان شجاع‌تر نیست مگر آنکه خداوند به او خبر داده که او سید خلق و خاتم انبیاء است آیا این کلام بلیغ رسول‌الله(ص) دلیل روشنی بر این مطلب نیست که آنچه درباره حضرت علی ع گفته و نوشته شده و یا گفته و نوشته خواهد شد به اندازه بال مگسی در مقابل قله رفیع ربّانی است بله این سخنی است فوق شرح شارحان و تفسیر مفسران و قول قائلان احمد بن حنبل در فضائل الصحابه (ج ۲، ص ۶۲۲) روایت کرده است که عن النبی ص أنه قال خلقت أنا و علی بن ابی طالب من نور واحد، قبل أن یخلق الله تعالی آدم بأربعة عشرة ألف عام فلم یزل فی شیء واحد، یسبح الله ذلك النور و یقدسه فلما خلق الله تعالی آدم أسکن ذلك النور فی صلبه إلى أن افترقنا فی صلب عبدالمطلب فجزء فی صلب عبدالله، و جزء فی صلب ابی طالب پیامبر اکرم ص فرمود: من و علی بن ابی طالب از یک نور واحد خلق شده‌ایم که چهار هزار سال قبل از خلقت آدم بوده است همواره در یک شیء واحد بوده و آن نور به تسبیح و تقدیس خدا مشغول بوده است تا آنگاه که خداوند تعالی آدم را خلق کرد، آن نور را در صلب او قرار داد، تا اینکه در صلب عبدالمطلب از هم جدا شدیم و جزئی از آن نور در صلب عبدالله و جزء دیگر در صلب ابوطالب قرار گرفت این روایتی بود که امام حنبلی‌ها درباره منقبت حضرت علی ع ذکر کرده است تعبیر چهار هزار سال که در حدیث آمده است منظور سالهای دنیوی نیست که از محرم شروع و به ذی‌الحجه ختم می‌شود، بلکه منظور سالهای ربّانی است که هر روز آن طولانی‌تر از آن چیزی است که ما فکر می‌کنیم پس در این کلام نبوی و مقام عجیب سیدالانبیاء و سیدالاصیاء(ص) و جریان نورشان در وجود، دقت کنید. اما منابع شیعه نیز چنین حدیثی را با اندکی اختلاف ذکر کرده‌اند، و شاید اختلاف عدد سالها در این روایات ناشی از مراحل وجود آن نور قبل از قرار گرفتن در صلب آدم ع باشد. در علل الشرائع (ج ۱، ص ۱۳۴) از ابوذر(ره) چنین نقل شده است قال سمعت رسول‌الله(ص) و هو یقول خلقت أنا و علی بن ابی طالب من نور واحد، نسبح الله یمنة العرش قبل أن یخلق آدم بألفی عام فلما أن خلق الله آدم جعل ذلك النور فی صلبه و لقد سکن الجنة و نحن فی صلبه و لقد همّ بالخطیئة و نحن فی صلبه و لقد ركب نوح فی السفینة و نحن فی صلبه و لقد قذف ابراهیم فی النار و نحن فی صلبه فلم یزل ینقلنا الله عزوجل من أصلاب طاهرة إلى أرحام طاهرة حتی انتهى بنا إلى عبدالمطلب فقسمننا بنصفین فجعلنی فی صلب عبدالله و جعل علیاً فی صلب ابی طالب و جعل فی النبوه والبركة و جعل فی علی الفصاحة والفروسیة و شق لنا اسمین من أسمائه فذو العرش محمود و أنا محمّد، والله الاعلی و هذا علی ابوذر گفت از رسول‌الله(ص) شنیدم که فرمودند: من و علی از یک نور واحد خلق شده‌ایم دو هزار سال قبل از خلقت آدم به تسبیح خدا در جانب راست عرش مشغول بودیم پس آنگاه که خداوند، آدم را خلق نمود، آن نور را در صلب او قرار داد و آدم ساکن

جنت شد در حالی که ما در صلبش بودیم و نیز آنگاه که مرتکب خطا شد ما در صلب وی بودیم و چون نوح بر کشتی نشست ما در صلبش بودیم و وقتی ابراهیم در آتش افکنده گشت ما در صلب وی بودیم و همواره خداوند عزوجل ما را از صلبهای مطهر به رحمهای پاکیزه منتقل می نمود تا اینکه وارد صلب عبدالمطلب گشتیم و در آنجا بود که به دو نصف تقسیم شدیم مرا در صلب عبدالله و علی را در صلب ابوطالب قرار داد و در من نبوت و برکت و در علی فصاحت و مهارت در سوارکاری قرار داد و برای ما دو اسم از اسماء خویش مشتق نمود، پس خداوند ذوالعرش محمود و من محمد و خدای عزوجل اعلی و این علی است روایت قبلی که از احمد بن حنبل درباره نور پیامبر(ص) و نور علی ع نقل شد می خواهند به ما انسانها این سخن خداوند تعالی را بفهمانند که فرمود: و أنفسنا و أنفسکم ۶. همانا من و علی وجود واحدی هستیم که ابتدا و انتهای آن واحد است و تقسیم آن نور بعد از عبدالمطلب به خاطر سری عظیم است تا اینکه بعد از من و علی و فاطمه در حسن و حسین و ائمه معصومین ع متحد شود. و این معنای این سخن پیامبر(ص) است که فرمودند: علی خورشید و ماه و ستاره است اما کوکب فرمود؛ چرا که در علی صبر ایوب است و ایوب کوکب است اما قمر فرمود؛ چرا که در علی شباهت موسی و عیسی و ابراهیم است و اینان همچون ماه اند. اما علی با این وجود شمس است چرا که او از من است و من از او هستم بنابراین علی دارای خصلتهای هر سه است شمس و قمر و کوکب درخشان این مظلومی که دنیا همانندش را سراغ ندارد... آیا درست است طرف مقایسه فردی قرار بگیرد که چهار نفر ادعای پدری او را کرده اند، و باز هم معلوم نیست پدرش یکی از آن چهار نفر باشد یا غیر آنها؟ و آیا درست است که همچون علی ع پای منبر شخصی بنشیند که خود می گوید: همه مردم از من داناتر و فقیه ترند حتی زنان پرده نشین و آیا مظلوم تر از علی ع دیده اید که امانت رسول خدا(ص)؛ یعنی دخترش صدیقه طاهره را دریافت نمود، آنگاه آن امانت را در حالی تسلیم رسول خدا(ص) نمود که تلخیهای ظلم و ستم روا داشته شده بر ایشان جسد طاهرش را آب کرده و همچون شبعی نموده بود. و بر جنازه مطهرش نماز گزارد و شبانه او را دفن نمود و بر جنازه اش جز چند تن حاضر نبودند، سپس فرمودند: الان انهد رکنای ۷. الان دو ستون بدنم فرو ریخت البته مسئولیت تک تک شماست که با تمام توان خود؛ با قلم و بیان خویش برای زدودن این پرده تاریک مظلومیت و رفع ابرها از جلوی جمال خورشید تلاش نمایید. پی نوشتها: \*برگرفته از: ألحق المبین فی معرفه المعصومین ع، علی کورانی ۱. سوره انعام ۶، آیه ۷۵. ۲. سوره احزاب ۳۳، آیه ۴۰. ۳. سوره بقره ۲، آیه ۳۱. ۴. سوره اسراء ۱۷، آیه ۱. ۵. سوره نجم ۵۳، آیه ۱۰. ۶. سوره آل عمران ۳، آیه ۶۱. ۷. در مورد مصادر این حدیث از کتب شیعه می توان به بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۳۸؛ کمال الدین و تمام النعمه ص ۲۵؛ أمالی شیخ طوسی ص ۴۱۷ و از منابع سنی می توان به بیهقی فضائل الصحابه خوارزمی المناقب اشاره کرد.

### شمارش معکوس برای تخریب مسجد الاقصی

گزارش خبری شبکه المنار ترجمه رضا عباسپور صهیونیستهای افراطی طی یک راهپیمایی و تجمع گسترده بر تخریب مسجد الاقصی و برپایی جبل هیکل (معبد) سلیمان اصرار ورزیدند. چندی پیش از شبکه المنار (متعلق به جنبش مقاومت اسلامی حزب الله لبنان) گزارش خبری پخش شد که در آن تصاویر بسیاری از یهودیان را در حالی نشان می داد که ماکت هیکل را بر روی دستان خود حمل می کردند شعارهایی مبنی بر تخریب مسجد الاقصی و برپایی معبد (هیکل و عقب نشینی آریل شارون از طرح و اجرای نقشه خود، سر داده بودند. در این گزارش آمده بود: شارون پی در پی و به گونه های مختلفی نقشه عقب نشینی از غزه را بیان کرده است در حالی که سازمانهای گوناگونی که متشکل از افراد و گروههای مختلف با این نقشه مخالفند. این شبکه در حالی که تصاویری از این تجمع را نشان می داد از فشارهایی که از طرف اصول گرایان افراطی بر آریل شارون وارد می شود شدت گرفته است از جمله آنها بالا. گرفتن اعتراضات شدید اللحن است این اعتراضات که به صورتهای مختلف در پی تحکاتی علیه شارون و مؤسسه الامنیه وارد می شود آن دو را در مضیقه و گرفتاری

انداخته است به خصوص اینکه بسیاری از گروه‌های دینی حملات خود را به اماکن مقدس در قدس اشغالی با هدف شکست نقشه عقب‌نشینی از غزه آغاز کرده‌اند. یهودا عتسیون از جمله شرکت کنندگان در این راهپیمایی که عضو هیأت امانه جبل هیکل و از معتقدان سرسخت تخریب مسجدالاقصی است و تا به حال چندین بار نسبت به هتک حرمت و تخریب آن مکان اقدام نموده در مصاحبه‌ای می‌گوید: تخریب مسجد امری واجب است و باید دیر یا زود به این کار اقدام کرد. برای ملت اسرائیل پاکسازی جبل هیکل از اشغال مسلمانان امری لازم و ضروری است ران کوهن عضو پارلمان رژیم صهیونیستی می‌گوید: جنگ بین اسرائیل و اعراب جنگ یا جوج و مأجوج است که به سوی آن کشیده می‌شوند. هیچ کس تردیدی ندارد که این جنگ جنگ دو مذهب است وقتی که شش و نیم میلیون اسرائیلی با یک میلیون و دویست هزار مسلمان مواجه می‌شود، معنایش قدرتمندی صهیونیسم است با افزایش جنبشهای اعتراض گونه بعد از این که شارون صد تن از فعالان سیاسی حزب لیکود را گرد هم آورد، این حزب در جلسه‌ای بر طرد، رد و عدم پذیرش حکومت لائیک تأکید کرد. «سلیفان شالوم وزیر خارجه اسرائیل در حالی که عصبانیت در چهره‌اش موج می‌زد با صدای بلندی گفت باید هوشیار باشیم که این نوعی فریب است احتمال دارد نفوذ این حزب در حکومت منجر به تغییرات سیاسی شود که مبنی بر آن دیگر از عقب‌نشینی از غزه صحبتی نخواهد شد بلکه تنها و تنها، از دولت فلسطینی و شهر قدس به عنوان پایتخت آن سخن به میان خواهد آمد. شاید از برجسته‌ترین اهداف مخالفان این نقشه کشاندن پیروان مخالفان و یهودیان - که جمعیتشان به سه هزار و صد نفر می‌رسد - به تجمع و سکونت در حوالی «حائط البراق در قدس اشغال شده باشد. یکی از شرکت کنندگان در این تجمع در پاسخ به سؤال از دلیل خود برای شرکت در این راهپیمایی می‌گوید: ما آمده‌ایم تا در مقابل سوءنیت اعطای بخشی از سرزمین موعود به کسانی که معتقدند خداوند این سرزمین را به آنان بخشیده است بایستیم و در مقابل آنان احتجاج کنیم این راهپیمایی با ابراز مواضع مخالفان و اعتراض آنان در مورد این نقشه با ارسال طوماری با حدود یک میلیون امضاء به آریل شارون برای عدم اجرای این نقشه خاتمه یافت مفتی فلسطین اشغالی «شیخ تیسیر التیمی می‌گوید: با این که وزیر دفاع اسرائیل از طرح نقشه‌های تروریستی که مسجدالاقصی را هدف گرفته است صحبت می‌کند در همین جا ما نیز تأکید می‌کنیم که این نقشه‌های اسرائیلی به حقیقت این مسجد را مورد هدف قرار داده است به گونه‌ای که این امر برای هیچ کس پنهان نیست تمام جزئیات این نقشه را برای مردم بازگو می‌کنیم و تمام ملت را مورد خطاب قرار می‌دهیم که «این نقشه‌ای بسیار خطرناک است. شما باید برای دفاع از مسجدالاقصی بپاخیزید، چرا که مسجدالاقصی عقیده شرافت و کرامت این ملت است عطاء الرحنا یکی از کشیشها علاوه بر ضرورت حفاظت از مسجدالاقصی می‌گوید: امروزه بیشترین تأکید ما بر وحدت ملی مسلمانان و مسیحیان است چرا که دشمنی با مسجدالاقصی و مقدسات اسلامی، دشمنی با مسیحیان است هم‌اکنون ما یک ملت و یک امت واحد هستیم و قدس پایتخت روحی و ملی ماست که باید از اشغال آن توسط دشمنان اسرائیلی جلوگیری کنیم و تمام تلاشمان را برای نابودی دشمن مقدسات و ملتمان انجام دهیم هواپیماهای اسرائیلی بر فراز مسجدالاقصی و جمعیت نمازگزاران به پرواز در می‌آیند. پر واضح است که این نوع عملیات نشانگر سیطره و تسلط راستگرایان افراطی است که منجر به نوعی تغییر در تلاشهای سیاسی شده است تا از اجرای طرح سردمداران اسرائیلی درباره عقب‌نشینی از غزه جلوگیری کند. این زمانی برای ما جدی می‌شود که وزیر دفاع اسرائیل گزارشهای موثقی بر گرفته از سازمان جاسوسی درباره نیت مغرضانه افراطیهای یهود برای هتک حرمت به اماکن مقدس اسلامی و مراکز حساس نزد فلسطینیها ارائه می‌کند. شلومو غانور یکی از تحلیل‌گران سیاسی می‌گوید: افکار سیاسی و نقشه‌های سیاسی مشخصی وجود دارد. همچنین حمله‌های سیاسی گروههای اصولگرا و راست مسیحی متعصبی برمی‌گردد که با تمام قدرتش تلاش می‌کند. همه اینها به اصول و مبانی سیاسی گروههای اصولگرا و راست مسیحی متعصبی برمی‌گردد که با تمام قدرتش تلاش می‌کنند تا مسیر جریانهای سیاسی را به سوی اهداف خود تغییر داده یا جریانات سیاسی مخالف خود را با روشهای غیر شرعی حذف کنند. شیخ محمدحسین مدیر مسجدالاقصی می‌گوید: این تهدیدات واقعاً خطرناک و جدی است به گونه‌ای که جوانب آن



برای هیچ کس مخفی نیست مثل دشمنی آنها علیه مسجدالاقصی و بدتر از آن این که بحران راست مسیحیهای اسرائیل و شدت گرفتن این قدرت علیه مقدسات اسلامی و حتی در مقابل اعراب فلسطینی نیز وجود دارد. بعد از سخنان رئیس اطلاعات اسرائیل (عاقده اختر) احتمال ترور رئیس حکومت فعلی توسط افراطیون یهود بالا گرفت پس از ترور نافرجام وی درگیری شدیدی بین اسرائیلیها و اعراب فلسطین در گرفت که در نتیجه آن انتفاضه مسجدالاقصی شدت یافت تاریخ راست مسیحی اسرائیل از تهاجم و هتک حرمت مسجدالاقصی پر شده است و تبعاتش مخرب و مبتنی بر خونریزی و عدم استفاده از عقل است تاریخ شهادت می دهد که اینان تفوق و برتری طلبی را پیشه خود قرار داده اند. عدنان الحسینی مدیر اوقاف اسلامی در فلسطین در طی یک تماس تلفنی گفت پر واضح است که اینها از جمله مارکین و خوارجی هستند که وقتی نیروهای مسلح و جدی را زیر لوای این حکومت یعنی راست مسیحیان افراطی می بینیم مجبور می شویم تا از مسجدالاقصی بیشتر حفاظت کنیم حکومت اسرائیل مفسر کارهای این افراط گرایان است اما باید گفت که ما آینده را خطرناک می بینیم واقعاً به مرحله خطرناکی رسیده است همانطور که گفتم هم اکنون نقشه های بسیار خطرناکی برای ریشه کن کردن مسجدالاقصی کشیده اند؛ که توضیح این امر وقت زیادی می خواهد. حکومت اسرائیل و انجیلیهای افراطی با تمام تلاش نقشه هایشان را پی گیری می کنند. باید زمان بگذرد تا ببینیم که چه خواهد شد.

### نومحافظه کاران برای غارت آمده اند

مثل دشمنی آنها علیه مسجدالاقصی و بدتر از آن این که بحران راست مسیحیهای اسرائیل و شدت گرفتن این قدرت علیه مقدسات اسلامی و حتی در مقابل اعراب فلسطینی نیز وجود دارد. بعد از سخنان رئیس اطلاعات اسرائیل (عاقده اختر) احتمال ترور رئیس حکومت فعلی توسط افراطیون یهود بالا گرفت پس از ترور نافرجام وی درگیری شدیدی بین اسرائیلیها و اعراب فلسطین در گرفت که در نتیجه آن انتفاضه مسجدالاقصی شدت یافت تاریخ راست مسیحی اسرائیل از تهاجم و هتک حرمت مسجدالاقصی پر شده است و تبعاتش مخرب و مبتنی بر خونریزی و عدم استفاده از عقل است تاریخ شهادت می دهد که اینان تفوق و برتری طلبی را پیشه خود قرار داده اند. عدنان الحسینی مدیر اوقاف اسلامی در فلسطین در طی یک تماس تلفنی گفت پر واضح است که اینها از جمله مارکین و خوارجی هستند که وقتی نیروهای مسلح و جدی را زیر لوای این حکومت یعنی راست مسیحیان افراطی می بینیم مجبور می شویم تا از مسجدالاقصی بیشتر حفاظت کنیم حکومت اسرائیل مفسر کارهای این افراط گرایان است اما باید گفت که ما آینده را خطرناک می بینیم واقعاً به مرحله خطرناکی رسیده است همانطور که گفتم هم اکنون نقشه های بسیار خطرناکی برای ریشه کن کردن مسجدالاقصی کشیده اند؛ که توضیح این امر وقت زیادی می خواهد. حکومت اسرائیل و انجیلیهای افراطی با تمام تلاش نقشه هایشان را پی گیری می کنند. باید زمان بگذرد تا ببینیم که چه خواهد شد. اخیراً دو مقاله مهم منتشر شده است درباره سودهای کلان اطرافیان آقای جرج بوش از جنجالی که از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ با عنوان "جنگ با تروریسم" به راه انداخته اند. اولی در گاردین جمعه ۹ مه / ۱۹ اردیبهشت است و دومی در ایزرور یکشنبه ۱۱ مه / ۲۱ اردیبهشت. در مقاله اول با عنوان «دو چهره از رمسفلد» می خوانیم که وزیر دفاع دولت بوش در سال ۲۰۰۰ عضو هیئت مدیره کمپانی ABB مستقر در زوریخ بود که ۲۰۰ میلیون دلار را آکتور اتمی ب کره شمالی فروخت و همین آقا در سال ۲۰۰۲ کره شمالی را به عنوان تروریست و بخشی از «محور شرارت» معرفی کرد. مقاله دوم جالب تر است: به نوشته گاردین، آقای جیمز وولزی، رئیس پیشین سیا و مشاور متنفذ دولت بوش، عضو هیئت مدیره مؤسسه آمریکایی Paladin است که میلیون ها دلار از جنجال "جنگ با تروریسم" سود برده. این مؤسسه خصوصی سه ماه بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر تأسیس شد تا به بررسی علل و پیامدهای حادثه فوق پردازد. این مؤسسه تاکنون ۳۰۰ میلیون دلار پول دریافت کرده است. دیک چنی، معاون رئیس جمهور، به کمپانی بزرگ نفتی هالیبرتون مربوط است و قبل از انتخابات سال ۲۰۰۰ رئیس آن بود. یکی از کمپانیهای تابع هالیبرتون اخیراً برنده یک قرارداد ۹۰ میلیون دلاری برای ترمیم چاههای نفت عراق شد.

ریچارد پرل، مقام متنفذ پنتاگون و از رهبران جناح جنگ طلب نومحافظه کار، شریک اصلی کمپانی **Trireme** است. و جرج شولتز، وزیر خارجه سابق، عضو هیئت مدیره گروه بکنتل است که بزرگترین پیمانکار دولت ایالات متحده بشمار میرود و قرار است در بازسازی عراق نقش مهمی داشته باشد. شولتز ریاست کمیته آزادی عراق را به دست داشت. پیوندهای نومحافظه کاران و اعضای دولت بوش با کمپانی‌های بزرگ بسیار بیش از این هاست. باید اضافه کنم که ریچارد پرل، که یهودی است، در اواخر سال ۱۹۷۰ از سوی اف. بی. آی. متهم بود به جاسوسی برای دولت اسرائیل. در آن زمان پرل دستیار سناتور جکسون بود.

### اتحاد نظامی بنیادگرایان مسیحی و فرقه‌های یهودی در توطئه‌چینی برای تخریب مسجدالاقصی

گریس هالسل مترجم ف شیعی سرورستانی طی سه دهه اخیر، «گروشن سلومون ۱، اسرائیلی ستیزه‌جو، که مدیریت سازمانی را برعهده دارد که به نابودی مقدس‌ترین زیارتگاه مسلمانان اختصاص داده شده یورشهای مسلحانه متعدد افراطیون صهیونیست به مناطق اسلامی حرم شریف مسجدالاقصی و قبه‌الصخره را هدایت کرده است تا کنون هیچ مقام سیاسی اسرائیلی علیه تجاوزهای انجام شده به مسجدی که برای یک میلیارد مسلمان سراسر جهان مقدس است اعتراضی نکرده است علاوه بر این هیچیک از خاخامهای اسرائیلی این عملیاتها را محکوم نکرده‌اند. در واقع بسیاری از یورشها، از زمان شروع‌شان در سال ۱۹۶۷، با هدایت خاخامهای یهودی صورت می‌گیرند. من اولین بار زمانی که در سال ۱۹۷۹، به اورشلیم مسافرت کردم از نیت نزاع‌طلبان اسرائیلی برای نابودی مسجد آگاه شدم ساعتها با «بابی براون ۲، آمریکایی نسل سوم اهل بروکلین که به اسرائیل مسافرت کرد و فوراً تبعه آن کشور گردید و زمینهای فلسطینیان را غصب کرد تا مناطق غیر قانونی یهودی‌نشین را برپا کند صحبت کردم او به من گفت «مسجد باید نابود شود، این محل لکه ننگی در سرزمین ماست» یهودیان جنگ‌طلب مانند براون و سلومون خواستار اورشلیمی خالص عاری از حضور هر یک از پیروان دیگر ادیان الهی یا زیارتگاههای آنها هستند. جای شگفتی اینجاست که میلیونها مسیحی پروتستان در آمریکا، با این نقشه یهودی موافقت و از نظر مالی از آن حمایت می‌کنند. اسرائیلیان نزاع‌طلب و مسیحیان هواخواه گرچه در هدف با یکدیگر متحدند اما برنامه‌های بلندمدت متفاوتی برای رسیدن به آن دارند. یهودیان مادی‌گرایی چون «استنلی گلدفوت ۳، یکی از عوامل فعال در انفجار سال ۱۹۴۶ هتل «کینگ دیوید» - که منجر به کشته شدن حدود یکصد مسیحی مسلمان و یهودی غیر نظامی گردید - به دلایل سیاسی خواستار تخریب مسجد می‌باشند. دیگر یهودیان معتقدند که ساخت معبد بر روی خاک اماکن اسلامی طلیعه ظهور مسیح موعود است شمار رو به گسترشی از مسیحیان این تفکر را پذیرفته‌اند که «اسرائیل در تمام طول تاریخ در مرکز صحنه قرار دارد». آنها می‌گویند خداوند مراحل زمانی متعددی را تدبیر کرده است از جمله تجمع یهودیان در سرزمین باستانی کنعان به گفته آنان زمان کنونی مشمول یکی از آن «مقدّرات است زمانی که یهودیان باید معبد یهودی را بنا ساخته و آیین قربانی را از سر گیرند. آنها عمل به این «مقدرات را برای بازگشت مسیح از ضروریات می‌دانند. جالب اینجاست که مسیحیان تقدیرگرا در حالی که اسرائیل را مهم‌ترین قوم تمام دنیا می‌شناسند، به یهودیان احترام گزارده و حتی چون نسبت میان یهود و یهود آنها را دوست می‌دارند. در عین حال چون معتقدند مسیح تنها می‌تواند در «محل امن نزدیک اورشلیم فرود بیاید، فرقه سرزمین را به وجود آورده‌اند. بنابراین حمایت کامل و تردیدناپذیری را به اسرائیل ارزانی می‌دارند. تریونهای بی‌شماری در آمریکا به گرمی پذیرای افرادی چون گلدفوت و سلومون هستند. محلی که مسیحیان صهیونیست سخاوتمندانه انبوه هدایای مالی حلقه‌های ازدواج و جواهرات خود را برای تأمین منابع مالی نابودسازی مسجد، می‌بخشند. آنها پیامدهای احتمالی ناشی از تخریب مسجد را در نظر می‌گیرند؛ پیامدهایی چون جنگهای متعدد که شاید به «آرماگدون ختم شود. اما باز با کمال میل آن را خواستارند. آنها از آرماگدون واهمه‌ای ندارند. «مسیحیان از نو متولد شده (مسیحیان صهیونیست معتقدند در آن زمان از هر رنج و سختی در امان خواهند بود. چون در آن برهه زمانی به آسمان صعود خواهند کرد و از بالا به نظاره کشتارهای فجیع زمین خواهند نشست» جری

فالول ، گرداننده موعظه‌های تلویزیونی فریاد می‌کشد: «من نگران نیستم می‌دانید چرا؟ چون اینجا نخواهم بود!». این طرز تفکر «تقدیر گرایانه - که کمتر از دویست سال از عمر آن می‌گذرد - به مجامع بزرگ مذهبی و کلیساهای مهم و همچنین ۱۶ میلیون عضو مجمع تعمیرشدگان و کلیساهای بی‌شمار انجیلی رسوخ کرده است تخمین زده می‌شود که از هر ده آمریکایی حداقل یک نفر هوادار این جنبش است اما در حالی که مسجدالاقصی در محاصره نزاع جویان و جنگ طلبان قرار گرفته توطئه خاموشی در ایالات متحده و اسرائیل حکومت دارد. تا کنون هیچ مقام سیاسی - یا مذهبی - در ایالات متحده یا اسرائیل درباره این موضوع سخنی به میان نیاورده است خاخامهای یهود، دست کم اگر خود بر سر این موضوع مساعدت نکنند و برنامه‌ریزی حملات را برعهده نداشته باشند، سکوت اختیار کرده‌اند. رهبران تمامی کلیساهای بزرگ ایالات متحده - نواحی که در سرتاسر سرزمین مقدس به گوش می‌رسند - اگر چه ممکن است خود برای نابودی مسجد پول جمع‌آوری نکنند، اما در ارتباط با این توطئه خاموشی گزیده‌اند. یک مسیحی به من گفت «من علاقه‌ای به این موضوع ندارم - تخریب مسجد - اما اگر چنین اتفاقی روی دهد، به این معنی نیست که از آن حمایت نمی‌کنم. حملات به مسجد منحصراً دو گروه به تخریب مقدس‌ترین زیارتگاه مسلمانان اختصاص دارند: اتحاد ستیزه‌گرایانه مؤمنان یا گروه «گاش امونیم ۴ که توسط خاخامهایی چون «موشه لوینگر» هدایت می‌شود؛ و مؤسسه مذهبی «آترت ۵ با ترکیبی از شاگردان جنگ طلب یهودی و خاخامهای آنها. مسیحیان جنگ طلب بنیادگرا و یهودیان ثروتمند آمریکا که نابودی مسجد را نیز خواهند به این دو سازمان اسرائیلی کمک مالی می‌کنند و آنها را از حمایت خود بهره‌مند می‌سازند. از آغاز سال ۱۹۶۷، زمانی که نظامیان اسرائیلی شرق اورشلیم را از اعراب ربودند، یهودیان تروریست در قالب بیش از صد موقعیت تهاجماتی به مسجد مسلمین حمله کرده‌اند. در اینجا تعدادی از این یورشها را نام می‌برم آگوست ۱۹۶۷: روحانی اصلی نیروهای مسلح «اشلومو گورن ۶ - که بعدها خاخام اصلی اسرائیل شد - فرماندهی پنجاه افراطی مسلح را در حمله به حرم شریف به عهده می‌گیرد. گورن در حین ورود به خاک مسلمین که یهودیان آن را «کوه معبد» می‌نامند گفت «این فرمان حمله مقدس است» «اتی رونل در نشریه‌ای اسرائیلی گزارش می‌دهد: «بسیاری از خاخامها به‌علاوه اعضای مجمع خاخامهای اصلی یهودی از حق سلطه یهود بر مسجد پشتیبانی می‌کنند». ۲۱ آگوست ۱۹۶۹: آتش‌سوزی مسجدالاقصی توسط افراطیان یهودی که باعث نابودی منبری بسیار ارزشمند از چوب و عاج - که صلاح‌الدین فرمانده مسلمان از آلپو آن را فرستاده بود - گردید. این حریق عمدی شورای امنیت سازمان ملل را به فعالیت واداشت تا شکست اسرائیل را در جلوگیری از حملات تروریستی به زیارتگاه مسلمانان محکوم کند. چهارماه بعد (۱۹ دسامبر ۱۹۶۹) گروهی از جنگ طلبان یهودی با ادعای عملی سازی دعاهای خود درباره بازسازی معبد به این حرم شریف یورش می‌برند. ۳ مارس ۱۹۷۱: گرشون سلومون هدایت گروه «پیروان با ایمان معبد» را به دست می‌گیرد. آنها بعد از درگیری با پاسداران فلسطینی بیرون رانده می‌شوند. سه سال بعد (سوم مارس ۱۹۷۴) سلومون دوباره به مسجد حمله‌ور می‌شود. او بار دیگر در ۱۴ جولای ۱۹۷۸ رهبری یهودیان جنگ طلب را به دست می‌گیرد. در این مرحله فلسطینیان اعتراض می‌کنند و سربازان اسرائیلی با پرتاب گاز اشک‌آور به سرکوبی آشوب می‌پردازند. ۱۰ آگوست ۱۹۸۰: سیصد متعصب یهودی پیرو «گاش امونیم با سلاحهای سنگین بر پلیس فلسطین غلبه می‌کنند و به منطقه یورش می‌برند. اما بعد متفرق می‌گردند. یک ماه بعد (۱۵ سپتامبر ۱۹۸۰) این گروه با همدستی استنلی گلدفوت و گروه مؤمنان معبد دوباره وارد مناطق مسجد می‌شوند و بعد از نزاع و کشمکش با پلیس بیرون رانده می‌گردند. ۱۱ آوریل ۱۹۸۲: «آلن گودمن ، تبعه اسرائیلی با پاسپورت آمریکایی با تفنگ ام ۱۶ به مسجدالاقصی حمله می‌کند و نمازگزاران را هدف قرار می‌دهد و دو فلسطینی را کشته و دیگران را زخمی می‌گرداند. در نوامبر ۱۹۹۷، دولت اسرائیل گودمن را آزاد ساخت گودمن نیز بدون هیچگونه اظهار تأسفی اعلام کرد: «من مأموریتم را انجام دادم» ۲۵ جولای ۱۹۸۲: «یوئل لرنر» ۷، عضو جنبش «کچ ۸ با هدف آتش‌افروزی و تخریب قبةالصخره به این منطقه حمله کرد. ۱۰ مارس ۱۹۸۳: افراطیان مسلح «گاش امونیم در تلاش برای غلبه بر نگهبانان امنیتی مسجد از دیوارهای آن بالا رفته و مسجد را تصرف می‌کنند. آنها مقادیر زیادی



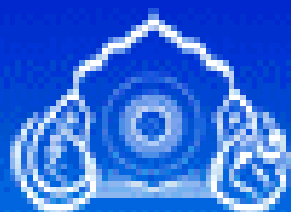
مهدی ع چیست آنچه از روایات فهمیده می‌شود این است که این سیصد و سیزده تن از یاران اصلی حضرت مهدی ع بوده و فرماندهی سپاه ایشان را برعهده دارند و دارای ویژگیهای خاصی نظیر ایمان قوی اخلاص توانایی بالای مدیریتی آگاهی به دین اسلام هستند تا بتوانند از عهدهٔ مسؤولیت سنگینی که به عهده دارند، برآیند. و البته نکته قابل ذکر دیگر اینکه تنها برخی از این افراد در زمان ظهور امام زمان ع حیات دارند و تعدادی از آنها انسانهای پاک و شایسته‌ای بوده‌اند که قبل از دوران ظهور زندگی می‌کرده‌اند و لذا با ظهور حضرت حجت ع حیاتی دوباره یافته و رجعت می‌کنند. از جمله این افراد، اصحاب کهف مؤمن آل فرعون و مالک‌اشتر را می‌توان نام برد. روایاتی وجود دارد که به‌طور اجمال اشاراتی به سرزمینهای این افراد داشته و از ایران شام یمن حجاز و عراق و دیگر نقاط به عنوان محل زندگی آنها نام برده است البته روایاتی هم داریم که با تفصیل بیشتر، حتی اسامی و محل زندگی آن سیصد و سیزده تن را ذکر کرده است ناگفته نماند این دسته از روایات چندان مورد اعتماد نبوده و بعید نیست که توسط قصاصون ساخته شده باشد. به‌طور مثال در روایتی که از امیرالمؤمنین ع نقل شده ایشان اسامی و محل زندگی آنها را چنین بیان فرموده‌اند: ... فقال رجلان من البصرة و رجل من الاهواز، و رجل من عسکر مکرّم .. ۱. به دلیل طولانی بودن حدیث و برای شاهد مثال تنها به ذکر شهرهایی از ایران که در حدیث ذکر شده و افرادی از آن شهرها جزء سیصد و سیزده یاور امام زمان ع شمرده شده‌اند، اکتفا می‌شود: از اهواز، سیراف شیراز، اصفهان ایذه نهاوند، همدان قم خراسان آمل گرگان دامغان ساوه طالقان قزوین فارس ابهر، اردبیل مراغه خوی سلماس شیروان مردانی به این افتخار نایل می‌شوند که از برخی شهرها بیش از یک نفر انتخاب شده است به‌طور مثال ده نفر از قم چهار نفر از اصفهان بیست و چهار نفر از طالقان و.. لذا با فرض پذیرش این دسته از احادیث می‌بینیم که تعداد زیادی از یاران خاص (۳۱۳ نفر) امام عصر(ع) از شهرهای مختلف ایران می‌باشند. اما علاوه بر این ۳۱۳ نفر که بزرگانی هستند که قرار است فرماندهی سپاه و ادارهٔ بخشهای مختلف حکومت حضرت ع را به عهده بگیرند، مؤمنان بسیاری نیز وجود دارند که در آخرالزمان به زمینه‌سازی برای ظهور پرداخته و با ظهور حضرت مهدی ع به یاری ایشان می‌شتابند. در این دسته از روایات مربوط به زمینه‌سازی حکومت آن بزرگوار، ایرانیان سهم بسزا و غیر قابل انکاری دارند. روایات حکومت زمینه‌سازان ایرانی به دو مرحله مشخص تقسیم می‌شود: ۱. آغاز نهضت آنان به‌وسیله مردی از قم که حرکتش سرآغاز امر ظهور حضرت مهدی ع است ۲. ظهور شخصی در ایران به نام سید خراسانی و فرمانده نیروهای او، شعیب بن صالح که به اختصار چند روایت در این‌باره ذکر می‌شود. از امام کاظم ع روایت شده که فرمودند: مردی از قم مردم را به سوی خدا دعوت می‌کند، افرادی گرد او جمع می‌شوند که قلبهایشان همچون پاره‌های آهن ستر است که بادهای تند حوادث آنان را نمی‌لغزاند، از جنگ خسته نشده و نمی‌ترسند. اعتماد آنها بر خداست و سرانجام کار از آن پرهیزکاران است ۲ عفتان بصری از امام صادق ع روایت کرده و گفت امام ع به من فرمود: آیا می‌دانی از چه‌رو این شهر را قم می‌نامند؟ عرض کردم خدا و رسولش آگاه‌ترند. فرمود: همانا قم نامگذاری شده برای اینکه اهل قم اطراف قائم ع گرد آمده و با وی قیام می‌نمایند و در کنار او ثابت قدم مانده و او را یاری می‌کنند. ۳ حدیثی نیز از منابع اهل سنت از حضرت علی ع نقل شده است که فرمود: خوش به حال طالقان خداوند متعال دارای گنجهایی در آنجاست که نه از طلاست و نه از نقره اما در آن خطه مردانی وجود دارند که خدا را آن‌طور که شایسته معرفت است شناخته‌اند و آنان یاران مهدی در آخرالزمان می‌باشند. ۴ البته آنچه به نظر می‌رسد این است که مراد از اهل طالقان اهل ایران است نه فقط منطقه طالقان لذا با دقت در روایاتی که در زمینهٔ نقش ایرانیان در زمان ظهور وارد شده نمی‌توانیم در نقشی که آنان در مهیا نمودن مقدمات حکومت حضرت مهدی ع دارند، مناقشه نماییم ماهنامه موعود شماره ۵۰ پی‌نوشتها: ۱. الشیخ مهدی حمد الفتلاوی علامات المهدی المنتظر فی خطب الامام علی و رسائله و أحادیثه ص ۲۷۵. ۲. علی کورانی عصر ظهور، ص ۲۳۷. ۳. همان ص ۲۳۹. ۵. همان ص ۲۵۸.



## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیتهای گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۴۵۰۲۳۵) ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خود کار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی: [www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com) تلفن ۰۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۰۳۱۱-۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی

این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۱۹۷۳-۳۰۴۵ و شماره حساب شبنا: ۵۳-۶۰۹-۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۱۸۰-IR۹۰ به نام مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب الی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

